

An Essay on the General Theory of Error Correction



**Mohammad
Darvishzadeh**

President, Iranian Law and Legal Research Institute;
Former Justice, Supreme Court of Iran, Tehran, Iran
darvishzadeh@illrc.ac.ir

Abstract

This study introduces the General Theory of Error Correction, based on the fundamental premise that all errors, regardless of their origin or context, must be corrected. The article aims to articulate the foundations, sources, scope, and implications of this theory within the framework of the Iranian legal system.

The paper begins by defining key concepts related to error and its correction. It then explores the theoretical foundations and historical background of the concept. Subsequently, it examines the theory's scope within both Islamic jurisprudence and Iranian statutory law, outlining its domain and dimensions within Iran's legal landscape. Additionally, the study briefly surveys the relevance of this theory across other disciplines and fields of knowledge.



Journal of Research and
Development in Public Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 3 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726143>

Finally, it analyzes the consequences of adopting this theory for the legal system. These consequences constitute the core findings of the research. The results indicate that embracing the General Theory of Error Correction could enhance the legal system's flexibility in areas such as policy-making, legislation, legal interpretation, adjudication, and enforcement, thereby promoting more effective justice and reducing the injustices caused by inevitable human errors.

Keywords : Error Correction, Rectification of Mistakes, Civil Liability - Iranian Law, Legal Theory, Reform of Judicial and Administrative Practice



جستاری در نظریه عمومی تصحیح اشتباه

رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران و قاضی پیشین دیوانعالی
کشور، تهران، ایران
darvishzadeh@illrc.ac.ir

محمد درویش زاده 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:
<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.726143>

چکیده

نظریه عمومی تصحیح اشتباه، که برای نخستین بار در این پژوهش معرفی می‌شود، بر این نکته پای می‌فشارد که: هرگونه خطا و اشتباهی باید تصحیح شود. در این مقاله تلاش می‌شود تا مبانی، منابع، قلمرو و آثار این نظریه در نظام حقوقی ایران تبیین شود. برای این منظور، نخست مفاهیم بنیادین مرتبط با اشتباه و تصحیح آن تبیین شده و سپس، مبانی نظری و پیشینه تاریخی آن بیان می‌شود. در ادامه، قلمرو این نظریه در فقه و حقوق ایران مرور شده تا دامنه و ابعاد این نظریه در حقوق ایران مشخص شود. همچنین، به اختصار، قلمرو این نظریه در سایر علوم و معرفت‌ها مرور می‌شود و در نهایت، پیامدهای پذیرش این نظریه بر نظام حقوقی تحلیل شده که به منزله یافته‌های اصلی پژوهش است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که پذیرش نظریه عمومی تصحیح اشتباه موجب می‌شود که نظام حقوقی در ساحت‌های مختلف (سیاست‌گذاری، تقنینی، تفسیری، قضایی و اجرای قوانین) برای تحقق عدالت، انعطاف‌پذیر گردد

و از بی‌عدالتی‌های ناشی از اشتباه‌های اجتناب‌ناپذیر جلوگیری کند.

کلیدواژه‌ها: تصحیح اشتباه، جبران خطا، مسئولیت مدنی، حقوق ایران، نظریه حقوقی، اصلاح رویه قضایی و اجرایی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نظریه عمومی تصحیح اشتباه، ظاهراً برای نخستین بار در این جستار صورت‌بندی و ارائه می‌شود. این نظریه بر “ضرورت تصحیح هر اشتباهی” پای می‌فشارد. برای گشایش بحث، نخست مفاهیم بنیادین تبیین می‌شوند، سپس با اتکا به مبانی نظری و منابع حقوقی ایران، نشان داده خواهد شد که این نظریه در ساختار حقوق موضوعه ایران، ریشه‌ای ژرف دارد و دامنه این نظریه چنان گسترده است که تمامی شاخه‌های دانش حقوق را در بر می‌گیرد و مواد گوناگون قوانین موضوعه را می‌توان بر پایه این چارچوب عمومی تفسیر و توجیه کرد.

در ادامه، تفاوت‌های این نظریه با مفاهیم و نهادهای مشابه را بازمی‌نماییم، آنگاه به جستجوی خاستگاه آن در آراء فقهی و نظریه‌های حقوقی می‌پردازیم. سرانجام، پیامدهای این نظریه را برمی‌شمایم و نشان می‌دهیم که این نظریه چه کاربردهایی در حوزه‌های سیاست‌گذاری، تقنین، تفسیر و اجرای قانون دارد. در پایان نیز، برای استمرار پژوهش و تکامل این نظریه، پرسش‌هایی را پیش روی خواننده خواهیم نهاد.

۲. مفاهیم مرتبط و مشابه

در ابتدا چند مفهوم و واژگان مرتبط و مشابه توضیح داده می‌شود:

۱/۲. نظریه و انواع آن

نظریه‌های علمی، به اعتبار نحوه شکل‌گیری و کارکردشان، به سه گونه نظریه توصیفی، نظریه‌های هنجاری و نظریه تجویزی تقسیم شده‌اند. نظریه تجویزی، پس از مشاهده یک مشکل آغاز می‌شود و نشانه‌های آن را طبقه‌بندی و گونه‌شناسی می‌کند و بر پایه این شناخت، به ارائه بهترین تجربه در قالب گزاره تجویزی منتهی می‌شود.

نظریه توصیفی به بررسی رابطه میان دو پدیده می‌پردازد و نظریه هنجاری به مطالعه چرایی وقوع نتیجه‌ها و پیامدها می‌پردازد (دانایی فرد، ۱۳۸۹: صص ۱۱۸ به بعد). همچنین، نظریه علمی را به اعتبار قلمرو شمول و فراگیری آن، می‌توان به نظریه موضوعی و نظریه عمومی تقسیم کرد. از دیدگاه این پژوهش، نظریه عمومی عبارت است از: گزاره

تعمیم یافته‌ای که می‌توان آن را در چند شاخه مختلف علمی ردیابی و مشاهده کرد و آن‌ها را وحدت بخشید. نظریه عمومی می‌تواند ویژگی و کارکرد هریک از نظریه‌های توصیفی، هنجاری و تجویزی را داشته باشد، اما عنصر کلیدی آن، تعمیم‌پذیری در چند شاخه علمی است که موجب وحدت علوم و ساده‌سازی آن‌ها می‌شود.

۲/۲. تصحیح

تصحیح در لغت، به معنای اصلاح و زدودن خطا است ((ابراهیم مصطفی و دیگران، بی‌تا: ۵۰۷/۱)) و (افریقی و دیگران، ۱۴۰۸: ۲۸۸/۷) و در اصطلاح فقهی، تصحیح به معنای رفع یا حذف امری است که موجب فساد عبادت یا عقد می‌شود. همچنین، تصحیح به معنای تحصیل چیزی است که صحت عبادت یا عقد را تضمین می‌کند. برای نمونه، وجوب تعلم بر کسی که قرائت نمازش نادرست است، نوعی تصحیح در عبادت محسوب می‌شود (طباطبایی حکیم، بی‌تا: ۲۲۰/۶). در حوزه معاملات نیز، تصحیح عقود و ایقاعات فضولی با اجازه مالک، مصداقی از تصحیح به‌شمار می‌رود (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۱: نقل شده در ویکی‌حقوق، فیش شماره ۵۶۱۱۴۵).

۳/۲. اشتباه

اشتباه، مصدر باب افتعال و از ریشه "شبه" به معنای همانند شدن، به غلط گرفتن و شبیه بودن است. همچنین، این واژه دلالت بر پوشیده شدن، نهفته ماندن و ایجاد تصویری خلاف واقع از امر مادی یا معنوی دارد.

در اصطلاح حقوقی، اشتباه به معنای تصویری نادرست درباره یکی از ارکان و عناصر عقد است ((صفایی، ۱۴۰۲: ۱۰۱/۲)) و (شهیدی، ۱۳۹۲: ۱۶۳) و (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۸۱)). هرگاه این تصور نادرست، موجب شکل‌گیری اراده شخص در انجام عمل حقوقی گردد، به صحت آن لطمه وارد خواهد شد که احکام و قواعد آن در متون حقوقی تبیین شده است.

۴/۲. اصلاح

اصلاح، در لغت به معنای ضد افساد و انجام دادن کار خوب به روش درست است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۸۴/۷) و در اصطلاح فقها، اصلاح مفهومی نزدیک به معنای لغوی خود دارد و هم در امور مادی و هم در امور معنوی به کار می‌رود. به نظر می‌رسد فقها زمانی از واژه اصلاح استفاده می‌کنند که مقصود، دفع فساد باشد، نه ازاله فساد پس از وقوع آن (مؤسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۳۴: ۳۴۱/۱۳).

اصلاح در زمینه‌های مختلف کاربرد دارد و معانی متفاوتی به خود می‌گیرد، از جمله:

رفع نقص

جبران ضرر

مجازات و تأدیب

کفارات شرعی

مفاهیمی مرتبط با ولایت، وصایت و حضانت

امر به معروف و نهی از منکر

توبه

احیای موات

بسته به مورد، اصلاح می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد (مؤسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۴: ۳۴۳-۳۵۸/۱۳).

۵/۲. ترمیم

ترمیم به معنای اصلاح است، اما بیشتر در امور مادی به کار می‌رود، مانند ترمیم منزل (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۲۲/۵). بنابراین، اگر واژه ترمیم در مورد امور معنوی استفاده شود، معنای مجازی آن مدنظر خواهد بود، مانند ترمیم اخلاقی (مؤسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۳۴: ۳۴۱/۱۳).

۶/۲. ارشاد

ارشاد در لغت، به معنای راهنمایی کردن و دلالت نمودن است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۰۹/۵) و در اصطلاح فقهی، ارشاد به معنای راهنمایی کردن بر خیر و مصلحت است؛ اعم از امور دنیوی یا اخروی (مؤسسه‌ی دایرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۳۴: ۳۴۱/۱۳).

۷/۲. اجزاء

اجزاء از ریشه جز بوده و در لغت، به معنای «شیء» است (ابن فارس، بی‌تا: ۴۵۵/۱). در اصطلاح اصولی و فقهی، اجزاء به معنای منتفی شدن تکلیف پس از انجام عمل است (محقق حلی، بی‌تا: ۱۸). برخی معتقدند که اجزاء در همان معنای لغوی خود به کار رفته و مقصود از آن، اکتفا به عمل انجام‌شده است (آخوند خراسانی، بی‌تا: ۸۲/۱). برخی دیگر، اجزاء را به معنای سقوط امر و تکلیف پس از انجام عمل می‌دانند (خمینی، بی‌تا: ۲۵۸/۱-۲۵۷).

۸/۲. اصل ابقای عقود

این اصطلاح از ابتکارات مرحوم استاد جعفری لنگرودی است. بر اساس این اصل، عرف و عادت اقتضا دارد که تا حد امکان، عقد مختل شده (نقض شده) حفظ و اصلاح شود تا از انحلال آن جلوگیری گردد.

قلمرو اصل ابقای عقود، که مرحوم جعفری لنگرودی مطرح کرده است، گسترده‌تر از مفاهیمی مانند اصل لزوم، اصل صحت و نظریه اداره عقد است؛ زیرا تمام مراحل ترازی، اجرای عقد و خيارات را شامل می‌شود و حتی به ایقاعات و عقود جایز نیز تعمیم می‌یابد. ایشان این نظریه را ابتدا در تئوری موازنه مطرح کرده و سپس آن را گسترش داده است تا در نهایت به این نتیجه برسد که:

«...کم‌کم متوجه شدم که اصل ابقای حقوق را باید تعمیم داد تا شامل هرگونه عمل حقوقی و طرح‌های حقوقی و قراردادهای حقوقی که به صورت باطل منعقد شده و یا بعداً باطل گردد، بشود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

۹/۲. جبران خسارت

در لغت، جبران خسارت به معنای اقدامی است که اثر خطا، آسیب یا زیان را برطرف کند. در اصطلاح حقوقی، جبران خسارت به معنای آن است که شخص واردکننده زیان یا فردی دیگر، وضعیت متضرر را بهبود بخشیده و تا حد امکان به وضعیت پیش از وقوع زیان بازگرداند.

۱۰/۲. مسئولیت مدنی

«مسئولیت» در لغت، به معنای موظف بودن به انجام یک امر یا تعهد است (دهخدا، بی تا: ج ۲). در اصطلاح حقوقی، مسئولیت اغلب به معنای ضمان به کار می رود، هرچند دامنه استعمال ضمان گسترده تر است. ترکیب «مسئولیت مدنی» به معنای تکلیف به جبران ضرری است که بر اثر عمل نامشروع کسی به دیگری وارد شده است. این مسئولیت در معنای عام شامل مسئولیت های خارج از قرارداد (مانند مسئولیت ناشی از جرم و شبه جرم) است که به آن مسئولیت قهری نیز گفته می شود (صفایی و دیگران، بی تا: ۲۱).

۳. مبانی نظری تصحیح اشتباه

نظریه عمومی تصحیح اشتباه می تواند بر چندین بنیان نظری استوار باشد. اهم این مبانی نظری به شرح زیر است:

۱/۳. عدالت اصلاحی

در نگاه ارسطو، عدالت اصلاحی ناظر به تعاملات حاکم بر روابط اشخاص با یکدیگر است که منشأ پیدایش حقوق و تکالیف می گردد. تفاوتی ندارد که این تعاملات مستقیماً ناشی از اراده باشد، نظیر اعمال حقوقی همچون عقد، یا ناشی از قانون و عرف باشد، نظیر وقایع حقوقی یا جرایم کیفری. از نظر ارسطو، هرگاه در تعاملات ارادی یا غیرارادی افراد، توازن ارتباطی میان آن ها از مسیر صحیح خود خارج شود، با استناد به اجرای عدالت اصلاحی باید به مسیر صحیح خویش بازگردانده شوند. بر این اساس، تفکر اصلی ارسطو در اندیشه عدالت اصلاحی، متمرکز به برقرار کردن توازن میان طرفین ارتباط است و بر این اساس معتقد است هرگاه به عللی این توازن مختل شود، از طریق اعمال عدالت اصلاحی باید

وضعیت را به حالت متوازن اولیه بازگرداند (ر.ک. به کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۴۳ به بعد). ریشه عدالت اصلاحی به ادراک‌های غریزی و فطری و عقلی بشری بازمی‌گردد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲/۳. اصل تطابق یا سازگاری نظام تکوین و تشریع

مطابق این اصل، اگرچه می‌توان تفاوت‌هایی بین نظام تکوین (= خلقت و آفرینش) با نظام تشریع (= قانون‌گذاری) شمارش کرد، اما سازگاری میان این دو نظام و هماهنگی میان آنها امری مسلم یا پذیرفته‌شده است. بنابر این، برای هرگونه تصمیم‌گیری کلان در زمینه سیاست‌گذاری، تقنین و تفسیر و اجرای قواعد حقوقی بایسته است که واقعیت‌های حاکم بر حیات و خلقت جهان و انسان مد نظر باشد و از تصمیم‌گیری‌های ناسازگار با این واقعیت‌ها پرهیز شود (صفایی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۷۴). بر این اساس، از آنجا که اشتباه در خلقت جهان و انسان راه ندارد و لاجرم تصحیح می‌شود، نتیجه می‌گیریم که نظریه تصحیح اشتباه با این اصل هماهنگ است. تبیین‌های دیگری که از این مبنای نظری می‌توان ارائه کرد به شرح زیر است.

۱/۲/۳. بنیان عقلانی و نیز ادراک فطری بشری

مفاد نظریه مزبور مبنی بر اینکه هر اشتباهی باید تصحیح شود، به تعبیر مرحوم دکتر سید حسن امامی منشا عقلانی دارد (امامی، ۱۳۸۹: ۲۱۱)، یعنی ادراک و تصدیق این گزاره مورد تفاهم عقل است، هرچند در آثار ایشان نیز این قاعده با صراحت لازم و در قالب نظریه حقوقی بیان نشده است و به اصطلاح طردالباب به این عبارت اشاره می‌کنند، اما همین وضعیت خود نشان می‌دهد که این قاعده آنقدر بدیهی و مسلم بوده که نیاز به توضیح آن نیز نبوده است. در توضیح مبنای فطری این نظریه نیز می‌توان گفت که جهان بر راستی و درستی استوار است، در آفرینش کثی و اشتباه به مقصد نمی‌رسد. زمین و زمان با اشتباه و کثی ناسازگار است و کژراهه و اشتباه به بن‌بست می‌رسد. لذا وجدان طبیعی و فطری افراد تصدیق می‌کنند که اشتباه را باید تصحیح کنند.

۲/۲/۳. غریزه حقوقی

یکی از مبانی فطری تصحیح اشتباه، غریزه حقوقی است. این اصطلاح، در آثار دکتر جعفری لنگرودی، به ویژه در کتاب مقدمه عمومی علم حقوق و علم حقوق در گذر تاریخ مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که می‌توان تصحیح اشتباه را از جمله غرایز حقوقی انسان دانست. انسان، حتی در دوران پیشاجامعه، به صورت غریزی به ضرورت تصحیح اشتباه پی برده است. نشانه غریزی بودن این ادراک بشری آن است که حتی اطفال غیرممیز نیز پس از درک اشتباه، رفتار خود را اصلاح می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که میل به اصلاح اشتباه، بخشی از سرشت حقوقی بشر است. به عنوان نمونه، مرحوم دکتر جعفری لنگرودی یکی از اهداف عمده ضمان قهری را تصحیح اشتباه‌های رفتاری و زیانبار افراد می‌داند و می‌نویسد: «ریشه این هدف نیز در غریزه آدمی موسوم به عمل و عکس‌العمل است، این غریزه میان آدمی و حیوانات مشترک می‌باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷: ۷۲).

۳/۲/۳. بدیهیات حقوقی

اصطلاح «بدیهیات حقوقی» نیز از دیگر مبانی نظری تصحیح اشتباه است. غریزه حقوقی با بدیهیات حقوقی تفاوت دارد؛ بدیهیات حقوقی زائیده تفکر آدمی هستند، اما غریزه حقوقی پیش از تفکر بروز می‌یابد و از آن تبعیت نمی‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). بنابراین، تفکر حقوقی، اگر به غریزه نیاز داشته باشد، از آن تبعیت می‌کند، اما غریزه حقوقی مستقل از تفکر است.

۳/۳. مبانی منطقی، فلسفی و وجودشناختی

این مبانی در سه قسمت مستقل بیان می‌شود.

۱/۳/۳. دوگانه ثبات و تغییر

نظریه‌های فلسفی، از جمله حکمت متعالیه، بر تغییر دائمی و عدم ثبات پدیده‌ها تأکید دارند (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۹۸). در مقابل، دانش حقوق بر اثبات قواعد حقوقی و احکام قضایی تأکید دارد، در حالی که علوم اجتماعی با تغییر مستمر همراه بوده و علوم نوپدید،

نظیر مدیریت، فناوری و سایر شاخه‌های علوم کاربردی، از تحولات سریع یافته‌های علمی استقبال می‌کنند.

در این میان، حقوق در مواردی که اشتباهی رخ داده باشد، مکانیزم‌های اصلاحی را به کار می‌بندد و برخلاف رویه معمول خود، به تغییر وضعیت موجود تن می‌دهد. به این ترتیب، تصحیح اشتباه در حقوق در نقطه تلاقی ثبات و تغییر قرار می‌گیرد؛ از یک‌سو، حقوق با اصلاح اشتباه، پویایی و انعطاف‌پذیری خود را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، از طریق این اصلاح، نظم حقوقی را حفظ می‌کند. بنابراین، مبنای نظری تصحیح اشتباه را می‌توان با نظریه فلسفی تغییر مستمر پدیده‌ها توجیه کرد.

۲/۳/۳. دوگانه جزم‌گرایی و گشودگی

از دیدگاه فلسفی، جزم‌گرایی (دگماتیسم) به طرز تفکری اطلاق می‌شود که روایت‌های موجود را غیرقابل نقد دانسته و احتمال خطا را در آن‌ها نمی‌پذیرد. ۱ در مقابل، اندیشه گشودگی بر پذیرش احتمال خطا و امکان اصلاح مستمر تأکید دارد. نظریه عمومی تصحیح اشتباه در چارچوب گفتمان گشودگی قرار می‌گیرد، زیرا با پذیرش امکان وقوع اشتباه، زمینه بررسی، ارزیابی و اصلاح آن را فراهم می‌سازد. در واقع، این نظریه برخلاف دیدگاه جزم‌گرایانه، هرگونه فرض خطا را قابل بررسی و منشأ اثر تلقی می‌کند.

۳/۳/۳. اصل امتناع تناقض

بنیان منطقی نظریه عمومی تصحیح اشتباه را می‌توان بر اصل امتناع تناقض استوار کرد. مطابق منطق ارسطویی، یک گزاره نمی‌تواند هم‌زمان هم درست باشد و هم نادرست. بر این اساس، اگر اشتباهی رخ داده باشد و تصحیح آن پذیرفته نشود، ناچار باید پذیرفت که وضعیت اشتباه‌آمیز هم نیاز به اصلاح دارد و هم ندارد، که این خود مصداق اجتماع نقیضین است.

۱. ر.ک. به سجادی، سید مهدی (۱۳۹۰). جزم‌گرایی و شکاکیت: معضل نظام‌های تربیتی - آموزشی در جوامع اسلامی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۱، شماره ۲

تنها راه رهایی از این تناقض، پذیرش ضرورت تصحیح اشتباه است، چراکه گزاره‌ای که وقوع اشتباه را اثبات می‌کند، نمی‌تواند هم‌زمان آن را انکار کند. اهمیت این اصل در آن است که بسیاری از مبانی کلامی و فقهی نیز بر آن استوار هستند.

۴/۳. سایر مبانی نظری

بررسی مبانی نظری تصحیح اشتباه، در ساحت هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی خود نیازمند پژوهشی مستقل است و این مقاله فرصت کافی برای پرداختن به تمام ابعاد آن را ندارد. با این حال، برخی نظریه‌های مرتبط که می‌توانند در پژوهش‌های آتی بررسی شوند، عبارت‌اند از:

(الف) نظریه‌های یادگیری و شرطی‌شدن: بر اساس آزمایش‌های پاولوف، می‌توان مکانیزم‌های یادگیری شرطی را به عنوان مبانی تصحیح اشتباه تحلیل کرد.

(ب) نظریه آزمون و خطا: فرآیند تصحیح اشتباه را می‌توان با نظریه‌های مبتنی بر آزمون و خطا توجیه کرد.

(ج) نظریه ابطال‌پذیری پوپر: نظریه تصحیح اشتباه، از منظر فلسفی، با اصل ابطال‌پذیری پوپر ارتباط دارد، زیرا پذیرش امکان خطا و تلاش برای اصلاح آن، جوهره این نظریه را تشکیل می‌دهد.

(د) فلسفه فایده‌گرایی: این نظریه را می‌توان در پیوند با مکتب فلسفی فایده‌گرایی نیز بررسی کرد، زیرا تصحیح اشتباه، افزایش منفعت اجتماعی و کاهش زیان‌های ناشی از خطا را به دنبال دارد.

(ه) فلسفه رشد مدام در طبیعت و ارتقای کیفیت در علوم کاربردی: مقوله رشد در زیست‌شناسی و مقوله کیفیت در مدیریت و علوم کاربردی، از مسائلی است که همواره برقرار است و حدی برای توقف آن وجود ندارد، این فلسفه همراستا با نظریه تصحیح اشتباه است، زیرا رشد مستمر و کیفیت پایان‌ناپذیر، تعبیری اثبات‌گرایانه از تصحیح اشتباه است که همواره برقرار است.

(و) فطرت کمال‌جویی انسانی: نظریه کمال‌طلبی مطلق و مستمر انسانی که در علوم مختلف و از جمله در عرفان و اخلاق اسلامی مورد توجه جدی قرار دارد نیز به گونه‌ای دیگر

بر تصحیح مستمر اشتباه تأکید دارد، زیرا اندیشه کمال طلبی مطلق بر پایه بهبود مستمر و تصحیح مدام استوار است.

۴. قلمرو اندیشه تصحیح اشتباه در سایر علوم و معارف بشری

نگاهی به قلمرو تصحیح اشتباه در ساحت‌های تاریخی، فرهنگی، ادبی، روان‌شناختی و سایر علوم و معارف بشری می‌تواند فراگیری آن را به مثابه نظریه عمومی نشان دهد. این موارد به شرح زیر است:

۴/۱. از نظر تاریخی

بر اساس باورهای کهن، خوردن میوه ممنوعه به عنوان نخستین گناه نوع بشر در تمامی کتاب‌های مقدس ذکر شده است. از این منظر، انسان موجودی خطاپذیر دانسته شده و تصحیح اشتباه، پیامد اجتناب‌ناپذیر این ویژگی ذاتی محسوب می‌شود. هبوط آدم به کره خاکی نیز در همین چارچوب تفسیر شده است. از منظر تاریخ‌نگاری، کتاب «تاریخ بی‌خردی، از تروا تا ویتنام» نوشته باربارا تاکنن نشان می‌دهد که بسیاری از رویدادهای سرنوشت‌ساز تاریخ جهان، از دوران باستان تا امروز، ناشی از اشتباه رهبران و تصمیم‌گیران بوده است. این کتاب در پنج فصل تنظیم شده و نشان می‌دهد که چگونه خطاهای حاکمان در تصمیم‌گیری، موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیر به خود آن‌ها و مردمشان شده است. اهمیت این اثر از آن جهت است که نویسنده، به عنوان یک تاریخ‌نگار برجسته و رئیس انجمن مورخان آمریکا، دیدگاهی علمی و مستند به مقوله خطاپذیری بشر ارائه کرده است.

۴/۲. از نظر علوم تربیتی و روان‌شناسی

نظریه‌های نوین یادگیری بر محدودیت‌های دستگاه شناختی بشر تأکید دارند و خطاهای شناختی را بخش جدایی‌ناپذیر زندگی آدمی می‌دانند. همواره امکان وقوع اشتباه وجود دارد و همین عامل، زمینه‌ساز پیشرفت و تحول در علوم مختلف شده است. در واقع، فرایند ابطال‌پذیری مستمر دانش بشری، تصحیح اشتباه را به یک روند دائمی در

زندگی انسان تبدیل کرده است. از این رو، پیوند انسان با مقوله اشتباه و اصلاح آن، همیشگی بوده، هست و خواهد بود.

۳/۴. تصحیح اشتباه در ادب فارسی

ادبیات فارسی، به عنوان منبعی غنی از الهام و تعلیم، همواره بر خطاپذیری انسان و ضرورت تصحیح اشتباه تأکید داشته است. برای نمونه، سعدی در غزلیات خود در مقام گلایه از معشوقی که از هر نظر زیبا، قدرتمند و بی همتاست، می گوید
«ملِکی، مَهی ندانم! به چه کُنیتت بخوانم؟
به کدام جنس گویم؟ که تو اشتباه داری!»

(دیوان اشعار سعدی، غزل شماره ۵۷۱)

در این سروده، سعدی اشتباه را امری مسلم و غیرقابل انکار می داند.

مولوی نیز در مثنوی معنوی، گرفتاری انسان در دام اشتباه را چنین توصیف می کند:

«گوش هات گیرد او چون گوش اسب،
می کشاند سوی حرص و سوی کسب.
بر زند بر پات نعلی ز اشتباه،
که بمانی تو ز درد آن ز راه.
نعل او هست آن تردّد در دو کار،
این کنم یا آن کنم، هین هوش دار!»

(مثنوی، دفتر پنجم، ابیات ۴۴ تا ۴۶)

در این ابیات، مولوی تردید و سرگردانی ناشی از اشتباه را به نعل اسبی تشبیه کرده که انسان را از مسیر درست بازمی دارد.

در ادبیات معاصر، این مفهوم همچنان مورد توجه شاعران است. شهریار در غزل شماره ۲۳ می‌گوید:

«من همه اشتباه خود، جلوه دهم که آدمی
از دم مهد تا لحد، در اشتباه کردن است.»

پروین اعتصامی نیز در طبیعی بودن اشتباه می‌سراید:
«جواب نامه مظلوم را تو خویش فرست
بسا بود که دبیرانت اشتباه کنند.»
(دیوان اشعار پروین اعتصامی، غزل شماره ۱۴۹)

شاید گویاترین بیان این مفهوم در شعر معاصر، این بیت از حامد عسکری باشد:
«آدمیزاد است و عشق و دل به هر کاری زدن
آدم است و سیب خوردن، آدم است و اشتباه.»

۴/۴. تصحیح اشتباه در حکمت عامیانه

علاوه بر جایگاه ادبی، حکمت عامیانه نیز به مقوله تصحیح اشتباه توجه خاص داشته است. صرف نظر از دیدگاه‌های منتقدان و مدافعان حکمت عامیانه.^۱ مرحوم دکتر جعفری لنگرودی به عنوان یکی از مدافعان این حوزه، دو ضرب‌المثل را در ارتباط با ضرورت تصحیح اشتباه ذکر کرده است. او می‌نویسد: «اگر در عقد بیع اشتباه راه یابد، رضای اشتباه‌کننده مختل (معیب) است. پس باید بیع باطل باشد، مانند خرید مالی که بعداً معلوم شود عیب داشته است. از قدیم گفته‌اند: "مال بد بیخ ریش صاحبش" و همچنین گفته‌اند: «اشتباه برمی‌گردد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

ضرب‌المثل «اشتباه از بغداد برمی‌گردد» نیز بر ضرورت تصحیح اشتباه تأکید دارد. داستانی که منشأ این ضرب‌المثل است، چنین نقل شده است: در گذشته، فردی مقداری نقره داشت و قصد داشت آن را برای تاجری در بغداد بفرستد. برای این کار، باید منتظر

۱. ر.ک. به دو بوآر، سیمون (۱۴۰۲). نقد حکمت عامیانه (ترجمه مصطفی رحیمی). تهران: نشر نیلوفر

حرکت قافله‌ای مطمئن می‌ماند. زمانی که قافله‌ای عازم بغداد شد، او برای سفر رفته بود و از همسرش خواست که بسته نقره را به سرپرست قافله تحویل دهد. اما همسرش در حمام بود و دختر جوان او، به اشتباه، بقچه‌ای دیگر (حاوی طلا) را تحویل داد. چند روز بعد، وقتی مرد بازگشت و پیگیر بسته شد، دریافت که طلا به جای نقره فرستاده شده است. در میان بگومگوها، ناگهان در خانه را زدند؛ سرپرست قافله بود که بسته را بازگرداند و گفت: «اشتباه از بغداد برمی‌گردد.»^۱ نمونه دیگر، ضرب‌المثل معروف «جلو ضرر را از هر جا بگیری، منفعت است» است. این مفهوم دقیقاً به نظریه تصحیح اشتباه اشاره دارد، زیرا انسان گاهی در مسیر اشتباه قدم می‌گذارد و ممکن است تردید داشته باشد که آیا امکان بازگشت وجود دارد یا نه. اما حکمت عامیانه توصیه می‌کند که هر زمان اشتباه را تصحیح کنیم، منفعت آغاز شده است.

در نتیجه، مشاهده می‌شود که نه تنها علوم مختلف، بلکه فرهنگ و حکمت عامیانه نیز بر ضرورت تصحیح اشتباه تأکید دارند. بنابراین، حتی اگر در نظریه‌های حقوقی به صراحت سخنی از تصحیح اشتباه گفته نشده باشد، فرهنگ عامه، با درکی فطری و طبیعی، این ضرورت را پذیرفته و بر آن تأکید کرده است. این نکته بسیار مهمی است که ادراکات جمعی و باورهای فرهنگی که در قالب ضرب‌المثل‌ها و حکمت‌های عامیانه رواج یافته‌اند، حاصل آزمون‌های مکرر تاریخی و اجتماعی هستند. این مسئله نشان می‌دهد که این باورها از یک نوع عقلانیت تجربی برخوردارند و می‌توانند الهام‌بخش قاعده‌سازی و نظریه‌پردازی در حقوق باشند. در واقع، نقش حقوقدانان در این فرآیند، تبدیل این مفاهیم عامیانه به اصول و قواعدی است که بتواند در نظام حقوقی به کار گرفته شود. به عنوان مثال، نظریه‌هایی همچون «تصحیح اشتباه» که در ضرب‌المثل‌هایی مانند «اشتباه از بغداد برمی‌گردد» یا «جلو ضرر را از هر جا بگیری منفعت است» نمود دارد، می‌تواند مبنای تحلیلی برای توسعه قواعد مرتبط با اشتباه در قراردادها، حقوق مسئولیت مدنی یا سایر حوزه‌های حقوقی باشد. به همین ترتیب، می‌توان بسیاری از باورهای فرهنگی را با مبانی حقوقی تطبیق داد و آن‌ها را در قالب اصول و نظریه‌های حقوقی سامان‌دهی کرد تا نه تنها از ظرفیت آن‌ها در

۱. ر.ک. به عسکری عالم، علیمردان (۱۳۹۲)، حکایت‌ها و روایت‌ها در ضرب‌المثل‌های لری و لکی. تهران: نشر آرون.

اصلاح و تکمیل نظام حقوقی بهره برد بلکه پیوندی عمیق تر میان حقوق و فرهنگ عمومی جامعه برقرار کرد. نکته قابل توجه این است که پژوهش در حکمت عامیانه نسبت تصحیح اشتباه منحصر به چند ضرب المثل مذکور به شرح فوق نمی باشد. مثلاً ضرب المثل دیگری که می گوید «خشت اول گر نهد معمار کج / تا ثریا می رود دیوار کج» نیز همراستا با نظریه عمومی تصحیح اشتباه است، و از این قبیل موارد بسیار است و احصای آن نیازمند پژوهش های بعدی است. همچنین ممکن است برخی ضرب المثل های دیگر در حکمت عامیانه فارسی شناسایی شود که مضمون آن مخالف با این نظریه باشد مثل اینکه گفته شده است «حرف مرد یکی است» و طبیعی است که بعد پژوهش نظام دار می توان در این خصوص به جمع بندی رسید.

۵. نظریه تصحیح اشتباه از منظر منابع فقه و حقوق ایران

با توجه به مبنای فطری و عقلانی نظریه مزبور، نیازی به شناسایی حکم شرعی در آن مشاهده نمی شود. حتی اگر نصوص شرعی نیز در تایید آن وجود داشته باشد، می توان آن را از مقوله ارشاد به حکم عقل دانست. با این حال، از آنجا که در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر محوریت «کتاب و سنت معصومین علیهم السلام»، در اصل چهارم بر محوریت «موازین اسلام» و در اصل ۶۷ بر «منابع معتبر اسلامی» تأکید شده است، شایسته است که در نظام حقوقی ایران، نظریه تصحیح اشتباه را در منابع مزبور مورد بررسی قرار دهیم. از این رو، وضعیت این اصل را بر اساس قرآن، روایات، عقل و اجماع تحلیل خواهیم کرد.

۵/۱. تصحیح اشتباه در قرآن

به نظر می رسد که حداقل سه دسته از آیات قرآن بر نظریه تصحیح اشتباه دلالت دارند. دسته اول آیاتی هستند که به صورت مستقیم بر ضرورت تصحیح اشتباه تأکید دارند. دسته دوم آیاتی هستند که به ضرورت تصحیح اشتباه اشاره دارند، مانند آیاتی که بر مذمت تقلید از گذشتگان و پدران دلالت می کنند که لازمه آن تصحیح اشتباه و بازنگری در مسیر گذشتگان است. دسته سوم آیاتی هستند که بر عقلانیت گرایی و تدبیر به عنوان روش

شناخت تأکید دارند و روش‌های غیر خردمندانه و مبتنی بر ضعف عقلانی و استدلال را رد می‌کنند. توضیح این آیات به شرح زیر است:

دسته اول: آیاتی که دلالت بر تصحیح اشتباه دارند

۱- بخش پایانی آیه ۲۸۳ سوره بقره که می‌فرماید: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ»، در این آیه به شاهدان توصیه می‌شود که شهادت خود را پنهان نکنند و اگر این کار را انجام دهند، دلشان گناهکار خواهد شد و خداوند از آن آگاه است. دلالت این آیه بر عدم کتمان، به این معناست که با بیان حقیقت، زمینه تصحیح اشتباهات فراهم می‌شود و در صورت تصحیح نکردن اشتباه مرتکب کتمان حقیقت می‌شویم که در این آیه نهی و نقد شده است.

۲- آیه ۱۴۶ سوره بقره که می‌فرماید: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ...»، این آیه به کسانی از اهل کتاب اشاره دارد که حق را در حالی که می‌دانند، پنهان می‌کنند. دلالت این آیه بر تصحیح اشتباه از این جهت است که در صورت مشاهده هرگونه اشتباه، ضروری است که آن را پنهان نکرده و اصلاح کنند.

۳- آیه ۷۱ سوره آل عمران که می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؟»، در این آیه نیز با صراحت از اهل کتاب انتقاد می‌شود که چرا زمانی که حقایق و واقعیات را می‌دانند، حق را با باطل می‌آمیزند و آن را پنهان می‌کنند تا مردم را گمراه کنند؟ این آیه نیز زمینه هرگونه تصحیح اشتباه را فراهم می‌کند.

۴- در آیه ۱۸۷ سوره آل عمران نیز تأکید بر عدم کتمان حق آمده است. نمونه دیگر این مضمون در آیه شش سوره جاثیه و همچنین در آیات ۱۰۵ سوره آل عمران و ۴۲ سوره بقره است که پرهیز از کتمان حق و ضرورت تصحیح اشتباه از این طریق تأکید شده است.

دسته دوم: آیاتی که در آن‌ها کسانی که از تصحیح اشتباه خودداری می‌کنند، مورد

شماتت قرار می‌گیرند. از جمله این آیات فراوان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آیه ۲۴ سوره زخرف که می‌فرماید: «إِنْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءُكُمْ...»، پیامبر به مشرکان می‌گوید: «آیا اگر من آیینی هدایت‌کننده‌تر از آنچه که پدران‌تان بر آن بودند

بیاورم، باز هم ایمان نمی‌آورد؟" این استفهام انکاری به وضوح نشان می‌دهد که در زمان مواجهه با اشتباه، باید مسیر را تغییر داد و اشتباه را تصحیح کرد. آیه ۱۷۰ سوره بقره که در آن استدلال مشرکان که به روش پدرانشان استناد می‌کنند، مورد انتقاد قرار گرفته و بیان شده که اگر گذشتگان نشان تعقل نکرده و راه درست را نیافته‌اند، آیا باید به طور کورکورانه از آنها پیروی کنند؟ این موضوع نیز به صورت استفهام انکاری بیان شده است.

آیه ۱۰۴ سوره مائده نیز بر همین مضمون دلالت دارد، جایی که استدلال مشرکان به پیروی از گذشتگان مورد نقد قرار می‌گیرد.

آیه ۲۸ سوره اعراف نیز همین استدلال را مطرح می‌کند و در آیه ۷۸ سوره یونس نیز تقلید کورکورانه از گذشتگان مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در سوره ۵۳، آیه ۵۳ سوره انبیا نیز مشابه این موضوع بیان شده است.

این آیات و موارد مشابه آن به وضوح نشان می‌دهند که در مواجهه با اشتباه، اصلاح آن ضروری است و پیروی کورکورانه از گذشته‌ها مورد نکوهش قرار می‌گیرد. به دلیل اختصار، از ذکر سایر آیات خودداری می‌کنیم.

دسته سوم: آیاتی که بر تعقل و تدبیر تأکید دارند

این آیات با تعبیری چون "أَفَلَا تَعْقِلُونَ" (آیه ۴۴ سوره بقره) یا "أَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ" (آیه ۷۳ سوره بقره) و "أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ" (آیه ۷۶ سوره بقره) بسیار فراوان هستند. به دلیل اختصار از ذکر مستقیم آنها خودداری می‌شود. باید بر این نکته تأکید کرد که فراخوان به تعقل، تدبیر و اندیشیدن از مواردی است که لازمه آن بازنگری و تصحیح هرگونه اشتباه است. اساساً در بسیاری از آیات قرآن، تعقل، تفکر و تدبیر به عنوان یکی از ارکان ضروری شناخت و اصلاح معرفی شده است.

۵/۲. تصحیح اشتباه در روایات و سنت پیامبر

در روایات اسلامی و منابع فقهی نیز تأکید زیادی بر ضرورت تصحیح اشتباه شده است. از جمله در نامه ۵۳ نهج البلاغه که به عهدنامه مالک اشتر معروف است، در باب صفات قاضی آمده است: "... قاضی نباید در خطا پایدار بماند و چون حق را شناخت، در بازگشت

به آن درنگ نکند. " (ترجمه سید جعفر شهیدی). این بیان به وضوح بر لزوم تصحیح اشتباه تأکید دارد.

آموزه دیگری که در میان فرق اسلامی فراگیر است، عبارت "الرَّجُوعُ إِلَى الْحَقِّ خَيْرٌ مِنَ التَّمَادِي فِي الْبَاطِلِ" است که به معنی "بازگشت به حق بهتر از ادامه در باطل است" می باشد. این متن در منابع متعدد اسلامی ذکر شده و در تصحیح اشتباه مورد استناد قرار گرفته است. در این متن، وقتی فرد به اشتباه خود پی می برد، تنها دو گزینه پیش رو دارد: اول، بازگشت به حق (رجوع الی الحق)، و دوم، ادامه دادن به مسیر باطل (التمادی فی الباطل). مسلم است که در میان این دو گزینه، بازگشت به حق که همان تصحیح اشتباه است، به وضوح ترجیح دارد.^۱

این متن در منابع مختلفی همچون شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و شرح کبیر ابن قدامه آمده است و نشان می دهد که پذیرش اصل این قضیه در میان شیعه و سنی مشترک است. این قاعده که در عهدنامه مالک اشتر آمده و به خلیفه دوم نیز نسبت داده شده است، فراگیری و تأکید بر تصحیح اشتباه را در جهان اسلام نشان می دهد.

۳/۵. تصحیح اشتباه بر اساس دلیل عقل

استدلال به دلیل عقل در مورد تصحیح اشتباه از آن جهت است که هر حکم شرعی که از کتاب و سنت به دست آمده، به دلیل عقل پذیرفتنی است. به این معنا که وقتی در کتاب و سنت دلیلی بر ضرورت تصحیح اشتباه پیدا می کنیم، عقل حکم می کند که تصحیح اشتباه واجب است. علاوه بر این، چون ادراکات یقینی و قطعی عقل در حوزه استنباط احکام شرعی حجت است، و چون ضرورت تصحیح اشتباه بر مبنای نظریه منع اجتماع نقیضین نیز قابل اثبات است، دلالت عقل بر این نظریه به طور واضح ثابت می شود.

۱. ن. ک. به شریفی، عبدالهادی (بی تا). تهذیب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی (جلد ۲، ص. ۲۹۷) و ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (بی تا). الشرح الکبیر (جلد ۱۱، ص. ۴۱۱). بیروت: دارالکتاب العربی

۴/۵. تصحیح اشتباه بر اساس اجماع

اگرچه اجماع از نظر شیعه به عنوان دلیل مستقل محسوب نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد که در این زمینه نیز ادله مناسبی بر اساس مستندات این دلیل وجود داشته باشد. از این رو، نظریه عمومی تصحیح اشتباه بر مبنای مبانی منابع فقه اسلامی قابل اثبات است.

۶. تصحیح اشتباه در حقوق موضوعه ایران

در قوانین ایران، پیش‌بینی‌هایی برای تصحیح اشتباه انجام شده است که در ادامه به ۲۰ مورد از این قوانین اشاره می‌شود. تنوع موضوعی و پوشش تاریخی این قوانین، به‌ویژه بر اساس شاخص پراکندگی زمان تصویب، به وضوح اثبات می‌شود که اصل تصحیح اشتباه در همه زمان‌ها و در تمام موضوع‌ها مورد توجه و پذیرش قانون‌گذار ایرانی بوده است. فهرست این قوانین به شرح زیر است:

۱/۶. اصل ۱۷۱ قانون اساسی

مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». در این زمینه، دکترین حقوقی تصریح دارند که اشتباه قاضی زمانی است که وی بدون قصد و نیت و به دلایل دیگر عملاً موجب ضرر و زیان بشود (هاشمی، ۱۳۹۱). اگرچه در فقه اسلامی قاضی در رفع خصومت افراد در جایگاه امین قرار دارد، لذا چنانچه بدون تقصیر در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم در مورد، ضرر مادی و معنوی متوجه کسی گردد، قاضی مسئولیتی نخواهد داشت؛ اما از آنجا که ضرر وارده نباید بی‌جبران باقی بماند، خسارت زیان دیده باید جبران شود (زنجانی، ۱۳۸۰: به نقل از ویکی حقوق، شماره فیش ۷۹۶۲۷۷).

۲/۶. تصحیح اشتباه‌های راجع به ثبت ملک و ثبت اسناد

در قانون ثبت اسناد و املاک، برای ثبت املاک در دفتر املاک ضوابط پیچیده‌ای وجود دارد. از جمله پیش‌بینی شده است که اگر اداره ثبت متوجه اشتباهی در جریان عملیات مقدماتی ثبت شود، در دو هیئت، یعنی شورای عالی ثبت و هیئت نظارت، مطابق مقررات ماده ۶ قانون ثبت اصلاحی سال ۱۳۰۷ اقدام می‌شود و طبق تصمیم آن‌ها عمل خواهد شد. در ماده ۶ اصلاحی قانون پیش‌بینی شده که: “برای رسیدگی به اختلافات و اشتباهات حاصله در امور مربوط به ثبت املاک و ثبت اسناد و تشخیص وقوع و مؤثر بودن اشتباه و رفع اختلاف و اخذ تصمیم مقتضی دو هیئت به عنوان شورای عالی ثبت و هیئت نظارت در اداره کل ثبت تشکیل می‌شود امامی، ۱۴۰۳: ۱۱۵/۶-۱۱۸). ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت ۱۳۱۷ نیز در همین زمینه احکامی را مقرر کرده است که به دلیل اختصار از ورود به آن پرهیز می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۱۶۰ به بعد).

۳/۶. تصحیح اشتباه در قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

با وجود تأکید قانون‌گذار بر اصل اعتبار اسناد سجلی و تصویب قانون خاصی برای جلوگیری از تزلزل اسناد سجلی و اهمیت ایجاد نظم در خصوص اطلاعات هویتی اشخاص حقیقی و روابط سببی و نسبی آن‌ها، نهاد مشخصی برای تصحیح اشتباه در اسناد ثبت احوال پیش‌بینی شده است. به این ترتیب که در مقر هر اداره ثبت احوال هیئتی به نام هیئت حل اختلاف پیش‌بینی شده است. وظایف این هیئت در ارتباط با تصحیح اشتباهات اسناد سجلی در بندهای مختلف ماده ۳ این قانون آمده است که تماماً ناظر به تصحیح اشتباه می‌باشد.^۱ علاوه بر آن، در ماده ۸ قانون ثبت احوال نیز فرض تصحیح اشتباه پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۱ قانون ثبت احوال نیز پیش‌بینی شده است که دفتر ثبت کل وقایع وفات پس از تکمیل و امضای دفاتر ثبت کل وقایع یا وفات قابل تصحیح یا تغییر نخواهد بود مگر منحصراً در موارد پیش‌بینی شده در این قانون (صفایی و دیگران، بی‌تا: ص ۱۵۳ به بعد). در این قانون، تصحیح اشتباهات تحریری در زمان نگارش (که در

۱. ر.ک. به میرشکاری، عباس (۱۳۹۰)، حقوق ثبت احوال (چاپ اول). تهران: انتشارات میزان.

ادبیات امروز به «سهو قلم» معروف است) نیز به عهده هیئت مزبور گذاشته شده است. همچنین در این قانون نحوه رفع اشتباه در ثبت جنس صاحب سند نیز پیش‌بینی شده است.^۱

۴/۶. تصحیح اشتباه در قانون نظارت بر رفتار قضات

در ماده ۳۰ این قانون تصریح شده است که رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی، موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احرار تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است. بر این اساس، ملاحظه می‌شود که جریان تصحیح اشتباه تا مرحله تعقیب قاضی که مرتکب تقصیر یا اشتباه شده است، نیز در قوانین موضوعه پیگیری شده است و برای آن وضعیت‌های مشخصی پیش‌بینی شده است.

۵/۶. تصحیح اشتباه در قانون اجرای احکام مدنی

با وجود آنکه اجرای احکام دادگاه‌ها از ضمانت اجرای بسیار مستحکمی برخوردار است به گونه‌ای که در ماده ۸ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده است که: «هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند»، اما فرض وقوع اشتباه استثنایی بر این اصل کلی است که در ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی آمده است: «هرگاه در صدور اجراییه اشتباهی شده باشد، دادگاه می‌تواند رسماً یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد اجراییه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را القا کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.» همچنین در ماده ۶۸ این قانون پیش‌بینی شده که اگر در تنظیم صورت جلسات و نوشتن بین سطور سهو و اشتباهی در هنگام نگارش پدید آید، قابل تصحیح است.

۱. دانشنامه حقوق ثبت احوال (۱۴۰۰). مرکز آموزش و پژوهش سازمان ثبت احوال کشور، پژوهشکده حقوق و قانون ایران. تهران: سازمان ثبت احوال کشور، مدخل تصحیح اشتباه و همچنین مدخل تصحیح اشتباه در اسناد سجلی و ثبت جنس صاحب سند.

۶/۶. تصحیح اشتباه در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

در ماده ۵۶ قانون مزبور نیز تصریح شده است که: «اداره مالکیت صنعتی مجاز است هرگونه اشتباه در ترجمه یا نسخه‌برداری، اشتباه اداری، اشتباه در اظهارنامه و یا اشتباه در هر یک از ثبت‌های انجام شده طبق این قانون یا آیین‌نامه اجرایی را تصحیح کند.»^۱

۶/۷. تصحیح اشتباه در قانون محاسبات عمومی کشور

در ماده ۴۹ این قانون نیز بر ضرورت تصحیح اشتباه در امور محاسباتی و مالی با تعمیم و تأکید خاصی تأکید شده است. در این ماده آمده است: «وجوهی که بدون مجوز یا زائد بر میزان مقرر وصول شود، اعم از اینکه منشأ این دریافت اضافی، اشتباه پرداخت‌کننده یا مأمور وصول و یا عدم انطباق مبلغ وصولی با مورد باشد و یا اینکه تحقق اضافه دریافتی بر اثر رسیدگی دستگاه ذیربط و یا مقامات قضایی باشد، باید از محل درآمد عمومی به نحوی که در ادای حق ذی‌نفع تاخیری صورت نگیرد، رد شود.» ملاحظه می‌شود که اشتباهی که در این ماده مدنظر است از قبیل اشتباهات مذکور در ماده ۳۰۹ آیین دادرسی مدنی نیست، بلکه هرگونه تحقق اضافه دریافتی را با هر منشأ که برای آن تصور شود، مشمول تصحیح دانسته و ضرورت تصحیح آن را گوشزد کرده است.

۶/۸. تصحیح اشتباه در قانون آیین دادرسی مدنی

در مواد مختلف آیین دادرسی مدنی بر ضرورت تصحیح اشتباه تأکید شده است، از جمله ماده ۷۹ (تصحیح نشانی اشتباه که در دادخواست ذکر شده)، ماده ۳۰۹ (تصحیح اشتباه قلمی و محاسباتی در رأی دادگاه)، ماده ۳۵۱ (اصلاح اشتباهاتی از قبیل اعداد، ارقام، سهو قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتاده در آن قسمت از خواسته که به اثبات رسیده توسط دادگاه تجدیدنظر)، ماده ۳۶۰ (تصحیح اشتباه رأی توسط دادگاه تجدیدنظر با رعایت ماده ۳۰۹)، ماده ۴۰۳ (تصحیح اشتباه در رأی مورد درخواست فرجام از نظر

۱. در رابطه با ترتیبات راجع به اعلام اشتباه و درخواست اصلاح اشتباه و نحوه تصحیح اشتباه نگاه شود به میرحسینی، سید حسن. (۱۳۹۰). حقوق علائم تجاری (چاپ اول). تهران: میزان. به نقل از ویکی‌حقوق، شماره فیش ۵۲۲۲۰۴۸.

احتساب محکوم به یا خسارات یا مشخصات طرفین دعوا و نظیر آن توسط شعبه دیوان عالی کشور) و نیز تبصره این ماده، و همچنین ماده ۴۵۸ (ضرورت تعیین مشخصات داور به طوری که رافع اشتباه باشد).

۹/۶. تصحیح اشتباه در قانون آیین دادرسی کیفری

در مواد متعدد این قانون نیز بر ضرورت تصحیح اشتباه تأکید شده است. از جمله در تبصره ماده ۲۷۹ (ضوابط تصحیح کیفرخواست در دو مرحله پیش از ارسال به دادگاه و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه)، ماده ۳۸۱ (تصحیح اشتباهاتی که در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه اتفاق می‌افتد، مانند کم یا زیاد شدن کلمه و یا اشتباهی در محاسبه). جالب این است که صدور رأی تصحیحی موضوع این ماده مقید به زمان مشخصی نیز نمی‌باشد. همچنین، ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری (رفع اشتباهی که به اساس رأی لطمه نمی‌زند توسط دادگاه تجدید نظر مانند تعیین مشخصات طرفین، تعیین نوع و میزان مجازات، تطبیق عمل با قانون، احتساب محکوم به یا خسارت و یا مواردی نظیر آن) و نیز ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری (مصادیق و موارد درخواست اعاده دادرسی که در آن اشتباهی اتفاق افتاده و با اعاده دادرسی تصحیح می‌شود) حتی ماده ۴۷۷ این قانون نیز که در ارتباط با اعاده دادرسی از آراء خلاف شرع می‌باشد، در واقع ناظر به مواردی است که با فلسفه تصحیح اشتباه تدوین شده‌اند. تصحیح مکرر این ماده و سابقه قانون‌گذاری در بیش از ۱۰ مرتبه برای این مضمون نشان می‌دهد که تصحیح اشتباه در رسیدگی‌های کیفری چه پایه از اهمیت را دارد.

۱۰/۶. اشتباه در قانون آیین دادرسی مدنی

مواد متعددی از قانون آیین دادرسی مدنی در ارتباط با تصحیح اشتباه پیش‌بینی شده است که از جمله مواد ۳۰۱، ۳۰۲، ۷۶۲ و ۱۲۷۷ را می‌توان نام برد که به دلیل اختصار از ذکر آن پرهیز می‌شود.

۱۱/۶. اشتباه در قانون مجازات اسلامی

در این قانون نیز تحقق اشتباه منشا اثر بوده و می تواند حتی مسئولیت کیفری را تحت تأثیر قرار دهد. چنان که در ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، از مجازات معاف شده است. نمونه دیگر از جریان نظریه تصحیح اشتباه، مبحث توبه مجرم است که در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده و به عنوان یکی از جهات سقوط مجازات شناسایی شده است. اهمیت این مواد از آن جهت است که تحقق نهاد توبه منوط به احرار ندامت و اصلاح و جبران خطای گذشته است که در مواد مختلف به آن تأکید شده است و از نظر ماهوی دقیقاً انطباق با وضعیت تصحیح اشتباه دارد. اهمیت دیگر این نهاد از آن جهت است که تصحیح اشتباه از چنان اهمیتی برخوردار شده که موجب سقوط مجازات نیز می شود.

۱۲/۶. تصحیح اشتباه در قانون مدنی

مواد مختلفی از این قانون نیز در رابطه با اشتباه پیش بینی شده است. از جمله در ماده ۱۹۹ که رضای حاصل از اشتباه را موجب نفوذ معامله نمی داند، در ماده ۲۰۰ که اشتباه را مقید کرده است و در ماده ۲۰۱ که اشتباه در شخص طرف معامله را در صورتی که علت عمده عقد باشد، موجب خلل به معامله می داند. همچنین در ماده ۳۰۱، کسی که اشتباهاً چیزی را که مستحق نبوده دریافت کرده، ملزم به استرداد آن به مالک دانسته و در ماده ۳۰۲ نیز کسی که اشتباهاً خود را مدیون می دانسته و دین را تادیه کرده، مجاز به استرداد آن از کسی است که بدون حق اخذ کرده است. در ماده ۷۶۲ نیز اشتباه در مورد صلح را موجب بطلان صلح دانسته و در ماده ۱۱۶۵ در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه پیش بینی کرده است که طفل ملحق به طرفی است که در اشتباه بوده. همچنین در ماده ۱۲۷۷، با وجود آنکه اصل بر مسموع نبودن انکار بعد از اقرار می باشد، اما ادعای مبنی بر اشتباه بودن اقرار را مسموع دانسته است.

۱۳/۶. اشتباه در قانون کار

در بند دال از ماده ۴۵ قانون کار نیز به کارفرما اجازه داده است که اگر در اثر اشتباه محاسبه مبلغی اضافه پرداخت شده باشد، آن را از مزد کارگر برداشت کند.

۱۴/۶. اشتباه در قانون مطبوعات

در بند جیم از ماده ۷ قانون مطبوعات، انتشار نشریه‌ای که از نظر نام، علامت و شکل موجب اشتباه با نشریاتی شود که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند، جرم انگاری شده است. همچنین در بند الف ماده ۳۳ همان قانون نیز پیش‌بینی شده که اگر در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی استفاده شود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، علاوه بر جلوگیری از انتشار، مرتکب به مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.

۱۵/۶. اشتباه در قانون امور حسبی

در ماده ۳۸ قانون امور حسبی پیش‌بینی رفع اشتباهاتی که در حساب یا سهو قلم در تصمیم دادگاه اتفاق افتاده، تجویز شده است.

۱۶/۶. اشتباه قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

در ماده ۷ این قانون نیز تبلیغات خلاف واقع و ارائه اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده شود، ممنوع شده است.

۱۷/۶. اشتباه در قانون تعزیرات

در ماده ۵۵۶ قانون تعزیرات نیز هرگونه استفاده بدون مجوز و به صورت علنی از لباس‌های رسمی نظامی یا انتظامی یا نشانه‌های دولتی یا سایر امتیازات دولتی که بدون تغییر یا با تغییر جزئی موجب اشتباه شود، جرم انگاری شده است.

۱۸/۶. اشتباه در قانون مالیات‌های مستقیم

در تبصره ماده ۲۲۶ قانون مالیات‌های مستقیم به مودیان مالیاتی اجازه داده شده است که اگر در اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی از نظر محاسبه اشتباهی رخ داده باشد، با ارائه مدارک لازم، ظرف یک ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه نسبت به رفع اشتباه اقدام کرده و اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان اصلاحی را حسب مورد تسلیم نمایند. همچنین در ماده ۲۴۲ قانون مالیات‌های مستقیم، اداره امور مالیاتی موظف شده است که در هر مورد که به علت اشتباه در محاسبه، مالیات اضافی دریافت شده باشد و در مواردی که مالیات قابل استرداد باشد، وجه قابل استرداد را از محل وصولی جاری ظرف یک ماه پرداخت کند. در ماده ۲۴۹ همان قانون، هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی مکلف شده‌اند که مأخذ محاسبات مالیات را در متن رای قید کرده و در صورتی که در محاسبه اشتباهی کرده باشند، با درخواست ذینفع یا مأمور تشخیص، رای را اصلاح کنند.

۱۹/۶. اشتباه در قانون امور گمرکی

در ماده ۱۳۵ قانون امور گمرکی پیش‌بینی شده است که اگر بعد از ترخیص کالا از گمرک معلوم شود که وجوهی اساساً دریافت نشده یا اشتباهی دریافت شده است، هر یک از گمرک و صاحب کالا می‌توانند ظرف ۶ ماه از تاریخ امضای پروانه یا پته گمرکی، کسر دریافتی یا اضافه پرداختی را از یکدیگر مطالبه و دریافت کنند.

بر این اساس تعدد، تنوع و تکرار تجویز تصحیح اشتباه در قوانین موضوعه ایران نشان می‌دهد که نظریه عمومی تصحیح اشتباه بدون آنکه توسط حقوقدانان شناسایی، تعریف و تبیین شده باشد، از سوی قانون‌گذار در مصادیق و موارد مختلف و متعدد پذیرفته شده است. این نشانگر قابلیت سامان‌دهی این مفهوم در قالب نظریه عمومی تصحیح اشتباه است.

۷. قلمرو نظریه عمومی تصحیح اشتباه

اهمیت تعیین قلمرو تصحیح اشتباه ناشی از آن است که در تعریف نظریه عمومی گفتیم، گزاره‌ای تعمیم‌یافته که در چند شاخه علمی قابل مشاهده و ردیابی باشد و موجب وحدت و سادگی آن گردد. بر این اساس، قلمرو تصحیح اشتباه به شرح زیر است:

۱/۷. فراگیری در شاخه‌های مختلف حقوق

با توجه به گزارشی که از ردیابی فلسفه و موارد تصحیح اشتباه در قوانین موضوعه ایران ارائه شد، می‌توان نتیجه گرفت که نظریه عمومی تصحیح اشتباه در قریب به اتفاق شاخه‌های دانش حقوق قابل تطبیق، ردیابی و شناسایی است. به این توضیح که نصوص متعددی بر ضرورت تصحیح اشتباه در حقوق اساسی وجود دارد و نصوص متعددی نیز بر ضرورت تصحیح اشتباه در حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی، حقوق جزا، آیین دادرسی کیفری، حقوق کار، حقوق ثبت اسناد و املاک، حقوق ثبت احوال، حقوق مالکیت‌های فکری و غیره وجود دارد. بر این اساس، قلمرو محتوایی نظریه تصحیح اشتباه در تمامی شاخه‌های دانش حقوق قابل شناسایی است. نفس فراگیری و قلمرویی که نظریه تصحیح از آن برخوردار است، نشان می‌دهد که بنیان فلسفی و نظری این نظریه دارای ماهیت عقلانی، منطقی، طبیعی و فطری است؛ زیرا قانون‌گذاران دوران‌های مختلف و در موضوعات متفاوتی که هیچ ارتباطی میان آنها برقرار نیست، به نحوی مقررات‌گذاری کرده‌اند که ضرورت تصحیح اشتباه در آن مشاهده می‌شود.

نفس فراگیری این فلسفه در شاخه‌های مختلف حقوق نشان می‌دهد که ریشه اصلی و بنیان اولیه این نظریه در فطرت انسان و نیز در ادراکات عقلی آدمی وجود دارد..

۲/۷. فراگیری تصحیح اشتباه در سیاست‌گذاری‌های کلان

علاوه بر شاخه‌های مختلف حقوقی، به نظر می‌رسد که قلمرو نظریه تصحیح اشتباه حوزه سیاست‌گذاری را نیز فراگرفته است. امروزه سیاست‌گذاری خود تخصصی در حد مقطع دکترا است. سیاست‌گذاری با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است. سیاست‌گذاری بر

توزیع عادلانه امکانات اجتماعی تمرکز دارد (جلیلی، ۱۳۹۷: ۱۰۴-۱۰۶). هرگونه اشتباه در سیاست‌گذاری موجب بروز و تحمیل خسارات و زیان‌های گسترده به کشور و مردم می‌شود. در هر سطح از تصمیم‌گیری، هرچه سیاست‌گذار در سطوح عالی‌تر تصمیم‌گیری قرار داشته باشد، اشتباهات وی در حوزه سیاست‌گذاری دارای آثار و عواقب اقتصادی، اجتماعی و حتی تاریخی مخرب‌تری خواهد بود. در همین راستا است که برخی از صاحب‌نظران معاصر با پیشنهاد اصطلاحی به عنوان «توبه سیاسی»، دامنه معنایی نهاد توبه را بسط و گسترش داده‌اند. ایشان در این یادداشت می‌نویسند: «مراد از توبه سیاسی بازگشت از روش، راه و طریقه فکری، عملی، سیاسی و اجتماعی است که منتهی به ایجاد نگرش منفی در میان گروهی از مردم شده و باور و اعتقاد آنها را به حقیقت و فضایل اخلاقی تضعیف کرده باشد»^۱.

۳/۷. تأکید بر تصحیح اشتباه در کلام مقام رهبری

ضرورت تصحیح اشتباه در سیاست‌گذاری بارها در کلام مقام رهبری نیز بازتاب داشته است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» از جمله وظایف مقام رهبری شمرده شده است، و مطابق بند ۲ همان اصل، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» نیز بر عهده همین مقام نهاده شده است. بر این اساس، برخی از سخنان ایشان در رابطه با تصحیح اشتباه به شرح زیر است. ایشان در دیدار با مسئولان نظام در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۳ تأکید می‌کنند: «توبه در گناه شخصی یک مقوله است، توبه در گناه اجتماعی هم یک مقوله است... گناه اجتماعی که انجام می‌گیرد، افراد جامعه یا آن کسانی که مؤثر در تولید این گناه هستند و در ایجاد وضعیت مؤثرند، باید استغفار کنند، باید توبه کنند. طبعاً این استغفار و توبه ترمیم می‌کند دیگر، یعنی هم فرد را ترمیم می‌کند هم جامعه را ترمیم می‌کند.» ایشان در همان تاریخ

۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۰/۰۶/۲۲)، اعتراف به خطا و استغفار سیاسی. سایت khabaronline.ir.

تأکید می‌کنند: “ممکن است فرضاً در یک مسئله فرهنگی، یک مسئله سیاسی، یک حرکت نظامی خطایی کرده باشیم، اشتباهی کرده باشیم. وقتی که یک زخم اجتماعی به این شکل به وجود می‌آید، استغفارش به این است که توبه کنیم، برگردیم و اصلاح کنیم ... در چند جای قرآن بعد از “تابوا” عبارت “و اصلحوا” و یک جا هم “و بینوا” است. یعنی توبه و برگشت باید با اصلاح همراه باشد.”

نمونه دیگر که در کلام مقام رهبری با صراحت بیشتری آمده به این شرح است: “یکی از خطاهایی که خودمان کردیم، بنده خودم هم در این خطا سهیمم، این مسئله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم. این اشتباه بود. عرض کردم مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد.” این سخنرانی در ۱۹ مهر ۱۳۹۱ در جمع مردم بجنورد ارائه شده است.

ایشان در دو سال قبل نیز در مراسم ۱۴ خرداد در حرم امام خمینی با اشاره به سیره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بر ضرورت اعتراف به اشتباه و تصحیح آن توسط مسئولان تأکید کردند. طبقاً اگر این رفتار رهبری در سطوح علمی و نظریه‌پردازی با عنوان اصل تصحیح اشتباه جایگاه درخوری داشته باشد، آنگاه شرایط مساعدی فراهم می‌شود تا در رابطه با مسئولیت عدم تحقق احکام قوانین و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور و نیز عدم تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور به این نظریه حقوقی ارجاع داده شود و به بررسی ابعاد حقوقی عدم تحقق سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ از تدوین تا اجرا و ارزیابی پرداخته شود تا بتوان علل، آثار و راهکارهای آن را برای تصحیح اشتباه تعیین نمود.

یقیناً عدم تحقق سند چشم‌انداز مولود اتخاذ سیاست‌هایی است که منتهی به عدم تحقق سند چشم‌انداز شده است و این سیاست‌ها باید در عالی‌ترین سطوح سیاست‌گذاری تصحیح شود. بر این اساس ملاحظه می‌شود که قلمرو مفهومی و موضوعی نظریه تصحیح اشتباه علاوه بر آنکه در تمامی شاخه‌های دانش حقوق قابل شناسایی است، می‌تواند در ساحات مختلف سیاست‌گذاری، تقنینی، اجرایی و قضایی گسترش یابد. از همین رو،

می‌توان تصحیح اشتباه را به مثابه نظریه‌ای فراگیر در تمامی ساحات سیاست‌گذاری، تقنینی، اجرایی و قضایی مد نظر قرار داد.

۸. تفاوت نظریه تصحیح اشتباه با مفاهیم مشابه و مرتبط

اگرچه مصادیق نظریه تصحیح اشتباه در حقوق موضوعه ایران به وفور قابل شناسایی است، اما ظاهراً تصریح به آن در قالب نظریه عمومی تاکنون توسط هیچ‌یک از حقوقدانان بیان نشده است. لذا ضرورت دارد تا نگاهی داشته باشیم به مفاهیم و نظریه‌هایی که در همسایگی کامل با نظریه تصحیح اشتباه قرار دارند تا استقلال نظریه تصحیح اشتباه از نظریات مرتبط (نظیر جبران خسارت و نظریه‌های مسئولیت) مشخص شود. هرچند ممکن است این نظریه‌ها در همسایگی و هم‌معنایی تنگاتنگ با نظریه تصحیح اشتباه باشند، اما تفاوت‌های متعددی نیز میان این‌ها قابل شناسایی است.

۸/۱. تفاوت از جهت اصلی و فرعی و تقدم و تأخر

به نظر می‌رسد که نظریه‌های مسئولیت و قواعد جبران ضرر و خسارت از فروع نظریه تصحیح اشتباه باشد، یعنی نظریه تصحیح اشتباه نسبت به نظریه مسئولیت مدنی در شرایط بالا نشینی قرار دارد. به این معنا که تا زمانی که اصل تصحیح اشتباه پذیرفته نشود، نوبت به پذیرش زیرشاخه‌های آن، یعنی مسئولیت و جبران خسارت نمی‌رسد. به عبارت دیگر، رابطه نظریه تصحیح اشتباه با جبران خسارت می‌تواند رابطه اصلی و فرعی باشد، زیرا به لحاظ ذهنی تصحیح اشتباه در رتبه مقدم بر جبران خسارت است. همچنین به لحاظ عملی، تصحیح اشتباه در رتبه مقدم بر قاعده جبران اشتباه است.

شاهد این تقدم نیز آن است که در روابط بین الملل، اصل عذرخواهی طرف مقصر، مقدم بر اصل جبران خسارت است، چرا که اگر ضرورت تصحیح اشتباه مسلم و مفروض نباشد، نوبت به تصمیم‌گیری در مورد مرحله بعد که مسئولیت فرد اشتباه‌کننده و نیز نحوه جبران اشتباه می‌باشد نخواهد رسید. به عبارت دیگر، در مرحله اثباتی، جبران خسارت می‌تواند با تصحیح اشتباه هم‌زمان اتفاق بیفتد، اما در مرحله ثبوتی و ذهنی ابتدا ضرورت تصحیح اشتباه پذیرفته می‌شود و سپس نوبت به جبران خسارت می‌رسد.

۲/۸. تفاوت از نظر درجه شفافیت و مشهود بودن

مسئولیت مدنی و نظریه‌های جبران خسارت غالباً در مواردی مطرح می‌شود که ورود خسارت امری مشهود و متعارف باشد.^۱ مثلاً خسارتی که در اثر وقوع تصادفات رانندگی پدید می‌آید از جهات مختلف امر مشهود و مسلم است، زیرا میزان خسارت امری مشهود و قابل محاسبه است. در حالی که اشتباهاتی که در فرایند دیوان سالاری و نظام اداری پدید می‌آید، ضرورتاً امری مشهود و مسلم نیست. به عنوان مثال، وقتی قانونی به تصویب می‌رسد، اصل در قابل اجرا بودن آن است و خسارات ناشی از اجرای قانون بد معمولاً ملموس نبوده و قابل مشاهده نمی‌باشد. همچنین وقتی مصوبه مرجع دولتی و اجرایی صادر می‌شود، در صورتی که این مصوبه به اشتباه صادر شده باشد، می‌تواند زیان‌های ناشی از اشتباه را پدید آورد، اما درجه شفافیت و رویت‌پذیری این زیان‌ها بسیار اندک است. این خود یکی از تفاوت‌های موجود میان نظریه تصحیح اشتباه با نظریه‌های مسئولیت است. زیان ناشی از اشتباهات دیوان سالارانه از نظر رویت‌پذیری و مشهود بودن یکسان نمی‌باشد.

۳/۸. تفاوت از نظر شفافیت در عامل ورود زیان

صرف‌نظر از شفافیت در اصل ورود خسارت که در قاعده جبران خسارت معمولاً وجود دارد، از نظر عامل ورود زیان نیز، نظریه‌های مسئولیت نسبتاً دارای شفافیت و رویت‌پذیری است. اما عامل ورود زیان‌هایی که ناشی از وقوع اشتباه در فرایندهای اداری و عمومی است، معمولاً رویت‌پذیر نیست. به عنوان مثال، در تمام قوانین پراکنده و خسارت‌بار، عامل ورود زیان رویت‌پذیر نیست. به طور کلی، بروکراسی موجب می‌شود که سهم تقصیر و عامل ورود زیان کلاً پوشیده شود، زیرا هر یک از مقامات عمومی و اشخاص حقوقی حقوق عمومی که در فرایند اتخاذ تصمیم اشتباه سهیم بودند، وانمود می‌کنند که اعمال ارتكابی آن‌ها با استناد به اختیارات قانونی و رویه‌ها و ضوابط و مقررات حاکم بر موقعیت آن‌ها

۱. قید غالباً در اینجا اهمیت دارد زیرا در برخی مصادیق مسئولیت مدنی مثل خسارت معنوی، شفافیت خسارت و قابل محاسبه بودن آن مورد تردید است.

اتخاذ شده است و شخص حقیقی و حقوقی آن‌ها هیچ‌گونه تقصیر یا خطایی را برای خودشان نمی‌پذیرند. علت این وضعیت آن است که هیچ‌کس وظیفه تصحیح اشتباه برای خود قائل نیست، چرا که این موضوع بدیهی در قالب نظریه عمومی مطرح نشده است. به عنوان مثال، می‌دانیم که در کشور ایران بیش از یکصد شورای عالی وجود دارد. طبیعتاً نظام تصمیم‌گیری در شورای عالی مبتنی بر نظریه اکثریت است و مصوبه شورای عالی نیز فاقد هرگونه نظام توزیع مسئولیت جمعی یا فردی است. بنابراین، کل خساراتی که ناشی از ابعاد زیان‌بار مصوبات مراجع دولتی عمومی بر بخش خصوصی و حتی بر بخش عمومی وارد می‌شود، به سادگی قابل انتساب به عامل ورود زیان نیست و هیچ‌گونه شفافیتی در این زمینه وجود ندارد. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های قاعده تصحیح اشتباه در مقایسه با قاعده مسئولیت و جبران خسارت از نقطه نظر شفافیت در عامل ورود زیان است که در جبران خسارت این شفافیت وجود دارد و در تصحیح اشتباه این شفافیت وجود ندارد.

۴/۸. تفاوت در رویکرد گذشته‌نگر و آینده‌نگر

قواعد جبران خسارت و نظریه‌های مسئولیت را می‌توان غالباً مبتنی بر رویکردی گذشته‌نگر دانست، در حالی که نظریه تصحیح اشتباه بیشتر مبتنی بر رویکرد آینده‌نگر است.^۱ به عبارت دیگر، نظریه‌های مسئولیت و جبران خسارت مبتنی بر امر پیشینی هستند؛ یعنی قاعده جبران خسارت به دنبال آن است که تعریف و تحلیل دقیقی از اتفاقات خسارت‌باری که در گذشته پدید آمده‌اند، ارائه دهد و سهم هر یک از عوامل مؤثر در بروز خسارت را تعیین کند و نحوه جبران خسارت توسط عامل ورود را مشخص کند. این در حالی است که نقطه کانونی در نظریه تصحیح اشتباه بر شناسایی اشتباه و تصحیح آن برای آینده تمرکز دارد. به عبارت دیگر، تحلیل و شناسایی اقداماتی که برای تصحیح اشتباه لازم است، بخش اصلی نظریه تصحیح اشتباه را تشکیل می‌دهد. از این جهت می‌توان نظریه

۱. مباحث راجع به تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی رویکرد آینده‌نگر دارند.

تصحیح اشتباه را مبتنی بر رویکرد آینده‌نگر ارزیابی کرد، در حالی که نظریه‌های جبران خسارت مبتنی بر نگرش گذشته‌نگر بوده و از این جهت با یکدیگر تفاوت دارند.

۵/۸. تفاوت در امکان و امتناع

مقایسه این دو نظریه از زاویه امکان‌سنجی و تحقق خارجی حاکی از آن است که نظریه تصحیح اشتباه امری همواره ممکن است، اما قاعده جبران خسارت نمی‌تواند امری همواره ممکن باشد. بلکه در مواردی جبران خسارت عملاً ممتنع است. شاید به همین منظور است که در فرهنگ عامیانه گفته شده است که "جلوی اشتباه را هر وقت بگیریم، منفعت است"، اما جبران خسارت در برخی از موارد عملاً ممتنع است. به عنوان مثال، وقتی در اثر خطای قاضی مجازات سالب حیات اجرا می‌شود، جبران اشتباه ممکن نیست و پرداخت دیه و حتی قصاص مرتکب نمی‌تواند به معنای واقعی موجب جبران خسارت شود. در بسیاری از موارد، اعاده وضع سابق عملاً ممکن نیست. مثلاً خسارت‌های سنگین و گزافی که در اثر قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و اجرایی در مقیاس کلان انجام می‌شود، حجم خسارت بسیار بالاست و گستره آن می‌تواند سطح عظیم جغرافیایی را از نظر زمان و مکان که بسیار گسترده است، پوشش دهد. حتی دامنه خسارت می‌تواند به یک نقطه جغرافیایی محدود نشود و سطح وسیعی از سرزمین‌ها را متأثر از قانون‌گذاری یا تصمیم‌گیری خطا تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، خسارت ناشی از قانون‌گذاری یا تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری غلط می‌تواند حتی به یک زمان خاص نیز محدود نباشد، بلکه سال‌ها و حتی دوره‌ها و نسل‌های متعدد را می‌تواند متأثر کند. به این ترتیب، جبران خسارت در این موارد عملاً امری کامل ممتنع بوده و امتناع‌پذیری آن مسلم است. بر این اساس، می‌توان یکی از تفاوت‌های نظریه جبران خسارت را با نظریه تصحیح اشتباه از نقطه نظر امکان‌پذیری و امتناع‌پذیری آن دانست.

۸/۶. تفاوت در گستره و زمینه اجرا و اعتبار

بیشترین کاربرد نظریه جبران خسارت در حوزه حقوق خصوصی است. هر چند که اخیراً در سیاست جنایی ترمیمی به کاربرد جبران خسارت در حقوق کیفری نیز توجه شده است، اما مسلم است که نظریه‌های مسئولیت در زیرمجموعه حقوق خصوصی تعریف می‌شوند و ورود آن‌ها به حوزه کیفری و عمومی به صورت ضمنی و تبعی انجام شده است. شاید به همین دلیل است که در قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است که “در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.” ملاحظه می‌شود که شمول قاعده جبران ضرر و مسئولیت مدنی مطابق این حکم قانونی صریحاً محدود و ممنوع شده است. لذا نظریه‌های مسئولیت به سادگی در حقوق عمومی قابلیت اجرا پیدا نمی‌کنند، چرا که قانون‌گذار صریحاً اجرای قواعد جبران خسارت در حوزه حقوق عمومی را نفی کرده و آن را بسیار محدود تعریف کرده است.^۱

در حالی که تصحیح اشتباه برخلاف جبران خسارت، محدود به حوزه حقوق خصوصی نبوده و در حقوق کیفری، حقوق عمومی و همه شاخه‌های حقوق را در بر می‌گیرد و اجرای آن نیز به محدودیت‌های فردی، شخصی، سیاسی یا محدودیت دیگری مواجه نمی‌باشد.

۱. البته اطلاق و حتی اعتبار ماده ۱۱ مذکور از آن جهت قابل تردید است که اساساً حکم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۳ به تصویب رسیده است، اما با تحولات تقنینی و تغییراتی که در قانون اساسی ایجاد شده است، حکم این ماده با تخصیص‌های مسلمی مواجه شده است. از جمله مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مسئولیت قاضی در فرض تقصیر و اشتباه پذیرفته شده است و به این ترتیب مسئولیت دولت در کلیدی‌ترین مصادیق اعمال حاکمیت یعنی قضاوت مورد تصریح قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است. لذا تغییراتی که در قانون اساسی و برخی قوانین عادی پدید آمده است، از جمله در ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، تماماً ایجاب می‌کند که ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به نحوی تفسیر گردد که مسئولیت دولت را نادیده گرفته نشود. زیرا با وجود تحولات تقنینی که بعد از انقلاب اسلامی بر پایه نگرش‌های فقهی پدید آمده است، جبران خسارت در حوزه حقوق عمومی پذیرفته شده است، هر چند کماکان احیا و استیفای این مسئولیت کماکان با معضلاتی مواجه است.

۷/۸. تفاوت در کمیت‌پذیری

مباحث راجع به خسارت و مسئولیت مدنی، غالباً اموری کمیت‌پذیر هستند و قابلیت اندازه‌گیری دارند، در حالی که تصحیح اشتباه غالباً امری کیفیت‌پذیر است و دو وضعیت صحیح و غیرصحیح را مشخص می‌کند.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که اصل نظریه تصحیح اشتباه نسبت به قواعد جبران خسارت و نظریه مسئولیت مدنی دارای تفاوت عمده است و نسبت به آن می‌تواند از بالانشینی نیز برخوردار باشد.

۹. تصحیح اشتباه در مباحث و اندیشه‌های فقهی

در فقه اسلامی، تصحیح اشتباه کاملاً پذیرفته شده است و فروع متعددی در ابواب مختلف عبادات و معاملات به تصحیح اشتباه اختصاص یافته است. بر این اساس گفته شده که از نظر فقهی، تصحیح اشتباه بعد از علم به اشتباه بودن واجب است، مشروط به اینکه انجام صحیح عمل - که اشتباهی در آن اتفاق افتاده - خودش واجب باشد. تفاوتی ندارد که این موضوع در عبادات باشد یا در معاملات (موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت، ۱۴۰۱: ۱۸).

مهم‌ترین فروع و قواعدی که در مباحث و نظریه‌های فقهی بر تصحیح اشتباه تصریح شده است، به شرح زیر است:

۹/۱. تصحیح اشتباه در عبادات

- فروع متعددی در این خصوص آمده است، نظیر:
- ضرورت تصحیح جهت قبله: برای کسی که در اثنای نماز متوجه اشتباه نسبتاً جزئی در جهت قبله می‌شود (طباطبایی حکیم، ۱۳۸۱ق: ۲۳۱/۵).
 - ضرورت تکاندن لباس نمازگزار: اگر در اثنای نماز متوجه عروض نجاست بر لباسش شود (حلی، ۱۴۱۹: ۳۸۵/۱).
 - ضرورت ازاله نجاست در طواف: برای کسی که در اثنای طواف متوجه عروض نجاست بر لباس احرامش شده است (حر العاملی، بی‌تا: ۹۹/۱۳).

- ضرورت تصحیح نیت در عبادات: در تمام عبادات نیت باید صحیح باشد.
- ضرورت تصحیح قرائت در نماز: در صورتی که در قرائت نماز اشتباهی رخ دهد، باید تصحیح شود (موسوعه فقه الاسلامی، همان: ۲۱).

۲/۹. تصحیح عقود فضولی از طریق تحصیل اذن

اگرچه در خصوص نحوه تصحیح عقود فضولی از طریق لحوق اجازه اقوال متعددی وجود دارد، اما می‌توان گفت قاعده کلی این است که هرگاه در عمل حقوقی عاملی پدید آید که شأنیت یا قابلیت ابطال آن عمل حقوقی را در صورت استمرار و بقا داشته باشد و نیز امکان جبران و رفع آن مانع وجود داشته باشد، در این حالت فقها حکم به تصحیح و اصلاح آن مانع داده‌اند (پیشین: ۲۲).

از جمله این موارد می‌توان به دیدگاه مشهور متأخرین اشاره کرد که با استناد به اصولی همچون اصل صحت، اصل وجوب وفای به عهد و استناد به پاره‌ای از روایات، حکم به صحت مطلق عقود و ایقاعات فضولی در صورت الحاق اجازه مالک داده‌اند.^۱ البته در این خصوص نظرات دیگری نیز قابل شناسایی است، اما قول مشهور متأخرین به شرحی است که بیان شد.

۳/۹. تصحیح بیع اکراهی در صورت الحاق اجازه

مشهور بین فقیهان آن است که چون شخص مکروه بالغ، عاقل و قاصد است و تنها رضایت او مخدوش است، بنابراین در صورت الحاق اجازه به آن، چنین عقدی صحیح می‌گردد.^۲

۱. ر.ک: قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). جامع الشتات (جلد ۲، ص. ۲۶۸). تهران: موسسه کیهان و نجفی، محمد حسن (بی‌تا). جواهر الکلام (جلد ۲۲، ص. ۲۷۳). بیروت.
 ۲. ر.ک: به نجفی، محمد حسن (بی‌تا). جواهر الکلام. بیروت: بیتا، ج. ۲۲، ص. ۲۶۷؛ بحرانی، حسین (۱۴۸ ه.ق). الحدائق الناظره. قم: موسسه نشر اسلامی، ج. ۱۸، ص. ۳۷۳.

۴/۹. تصحیح بیع مجهول به واسطه ضمیمه کردن

در خصوص اینکه آیا می‌توان بیع کالای مجهول را به واسطه ضمیمه نمودن یک کالای معلوم به آن تصحیح نمود، میان فقها اختلاف است. عده‌ای از فقها با استناد به احادیثی حکم به صحت مطلق اینگونه بیع‌ها داده‌اند (نراقی، ۱۴۰۵: ۳۵۲/۱۴).

۵/۹. تصحیح عقد به واسطه اسقاط فاسد

عده‌ای از فقها این احتمال را پذیرفته‌اند که اگر عقدی حاوی شرایط فاسدی باشد که فسادش به عقد سرایت می‌کند، در این صورت اگر مشروط له شرط فاسد را اسقاط کند، می‌توان حکم به تصحیح عقد داد. زیرا توافق و تراضی طرفین به عقد عاری از هرگونه شرط فاسد تعلق گرفته است.^۱

۶/۹. تصحیح شهادت نزد قاضی

فقهای امامیه بر پایه برخی روایات معتبر پذیرفته‌اند که اگر برای اثبات حق ضرورت داشته باشد که شخص شاهد بدون اینکه قصد تدلیس داشته باشد، شهادت خود را به گونه‌ای بیان کند که قاضی بپذیرد، ایرادی نخواهد داشت. در واقع به این صورت تصحیح شهادت انجام می‌شود. به عنوان مثال، شاهد می‌تواند برای اثبات حق شهادت دهد که ملکیت فلان مال به فلان شخص منتقل شده بدون آنکه متعرض سبب این نقل و انتقال شود تا جنجال‌های فنی در خصوص صحت و عدم صحت انتقال را به وجود نیاورد (جواهرالکلام: ۲۱۱/۴۱-۲۱۲).

۷/۹. تصحیح اشتباه در امور رفتاری

در منابع فقهی، وقتی صحبت از تصحیح اشتباه در امور رفتاری و ارتباطات انسانی می‌رود، از اصطلاح «اصلاح» استفاده شده است. همانطور که گفتیم، اصلاح در مقابل افساد است و به معنای انجام دادن کار خوب به روش درست می‌باشد (موسوعه فقه الاسلامی: ۳۴۱/۱۳). شاید بتوان گفت تفاوت اصلاح و تصحیح آن است که تصحیح

۱. نگاه شود به موسوعه فقهی، جلد ۲۸، صفحه ۲۵

بیشتر در حوزه گفتار اتفاق می افتد و اصلاح بیشتر در حوزه رفتار اتفاق می افتد. مصادیق اصلاح در فقه اسلامی بسیار گسترده است. برخی از آن‌ها عبارتند از: اصلاح ذات البین که حداقل به دو نوع اصلاح بین الزوجین و اصلاح بین الناس تقسیم می شود (پیشین: ۳۵۲). اصطلاح دیگری که در ارتباط با اصلاح مطرح شده، اصلاح المعابد است (پیشین: ۳۵۸-۳۵۳). همچنین فرض دیگری که در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته، «قبول ولایت حاکم جائز به دلیل اصلاح گری وی» می باشد (پیشین: ۳۵۲). در مبحث رشد نیز «اصلاح المال» از ادله اثبات کننده رشد فرد می باشد. در باب «اصلاح الیتیم» نیز احکام فقهی و فروع فقهی متعددی مطرح شده است. فرض دیگری که از اصلاح صحبت شده، فروض راجع به آسیب جسمانی به فرزند و زوجه ناشزه است که با هدف تربیت و اصلاح آن‌ها مشمول احکام خاص شده است. فرض دیگر اصلاح زمین در قرارداد مساقات است و همچنین اصلاح عین مستاجر که بر عهده مالک است و اصلاح آلت لهو و لعب و نیز اصلاح مجرم از دیگر مصادیقی است که راجع به تصحیح عملی و رفتاری وضعیت اشتباه است. هر کدام از این مصادیق در فقه اسلامی مشمول احکام خاص شده است (پیشین: ۳۵۳-۳۵۸). همه این موارد نشان می دهد که در فقه اسلامی ضرورت تصحیح اشتباه هم در مسائل گفتاری و هم در ابعاد رفتاری جایگاه شناخته شده و پذیرفته شده ای دارد.

۸/۹. قاعده فقهی «الحق القديم لا یبطله شیء»

مفاد این قاعده در خطبه پانزدهم نهج البلاغه نیز آمده است. موضوع این خطبه مربوط است به مصادره اموال و امتیازات ناروایی که توسط خلیفه سوم اعطا شده بود. این خطبه روز دوم پس از بیعت خوانده شده است. طی آن امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: «والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لردته»، یعنی سوگند به خدا، اگر آن املاک را پیدا کنم به مسلمانان برمی گردانم، حتی اگر مهریه زنان قرار گرفته باشد و کنیزها با آن‌ها خریداری شده باشد.

علامه محمد تقی جعفری در تفسیر این خطبه به نسخه دقیقتری از آن دست یافته و می گوید: «این جملات جزئی از خطبه ای است که کلبی از ابن عباس از علی (ع) نقل کرده

است. می‌گوید: امیرالمومنین علیه‌السلام روز دوم پس از بیعت که در مدینه انجام گرفت، خطبه‌ای خواند و فرمود: «الا ان کل قطیعه اقطعها عثمان و کل مال اعطاء من مال الله فهو مردود في بيت المال، فان الحق القديم لا يبطله شيء و لو وجدته و قد تزوج به النساء و فرق في البلدان لردته الي حاله، فان في العدل سعه و من ضاق عنه الحق فالجور عليه اضيق»، یعنی بدانید، هر قطعه‌ای از زمین را که عثمان بخشیده است و هر مالی از مال الله که به ناحق داده است، باید به بیت‌المال برگردد، زیرا هیچ چیزی حق قدیم و ثابت را باطل نمی‌کند و اگر آن اموال را پیدا کنم، به حال اصلی خود برمی‌گردانم، حتی اگر مهریه زنان قرار گرفته و در شهرها پراکنده شده باشد، زیرا گشایش در عدالت است و کسی که حق درباره او تنگ باشد، ستم برای او تنگ‌تر خواهد بود.» (جعفری، بی‌تا: خطبه پانزدهم)

دلالت این قاعده فقهی بر ضرورت تصحیح اشتباه بسیار واضح است. توزیع اموال و امتیازاتی که در عرصه عمومی با تشخیص خلیفه سوم انجام شده بود، امری اشتباه و ناروا بود و امیرالمومنین (علیه‌السلام) در مقام تصحیح اشتباه استدلال می‌کنند که هیچ چیزی، حتی تصمیم‌گیری خلیفه قبلی، نمی‌تواند حق قدیم و ثابت را باطل کند. به این ترتیب، هرگونه اشتباهی باید تصحیح شود، حتی اگر به کابین زنان رفته باشد و در حکم تلف باشد. در حقیقت، از این قاعده می‌توان نتیجه گرفت که هر اشتباهی باید تصحیح شود تا عدالت برقرار گردد.

بنابراین، نظریه عمومی تصحیح اشتباه می‌تواند بر پایه مسلمات پذیرفته شده فقه اسلامی بنیان نهاده شود، زیرا این قاعده فقهی در حکم تأکید بر لزوم اصلاح هر اشتباهی است که در زمینه‌های مختلف به وقوع پیوسته باشد.

۱۰. تصحیح اشتباه در مباحث و نظریه‌های حقوقی

با توجه به نمونه‌های متعددی که از ضرورت تصحیح اشتباه در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران شد، نتیجه می‌گیریم که تصحیح اشتباه در مباحث و نظریات حقوقی به طور کلی شناخته شده است. هرچند نمی‌توانیم مستندی از پذیرش تصحیح اشتباه به عنوان نظریه عمومی و یا اصلی فراگیر از اصول حقوقی ارائه دهیم، اما طرح اشتباه توسط

حقوقدانان به مناسبت بحث از مواد قانونی راجع به تصحیح اشتباه به صورت کلی آمده است. به عنوان نمونه، به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱۰/۱. استناد به ضرورت تصحیح اشتباه برای اثبات اصل ابقای قرارداد

مرحوم دکتر جعفری لنگرودی که کاشف این اصل در حقوق ایران هستند، در این زمینه می‌نویسند:

«... هرگاه رضای عاقد در عقدی از عقود به علت اشتباهی که روی می‌دهد یا به علت اکراه و به هر علت دیگر خلل و عیب پیدا کند، عقل بدیهی حکم می‌کند که آن عقد نباید مؤثر باشد، اما در خلاف جهت حکم عقلی مذکور، در سیستم حقوق اسلامی (و تبعاً در قانون مدنی ایران) و سیستم حقوق رم اجماعاً گفته شده است که حق صحیح است و آنکه زیان دیده است از طریق یکی از خيارات و یا از روی قاعده عدم نفوذ عقد می‌تواند رفع اشکال کند. به شرحی که در کتب حقوق مدنی آورده شده است. حالا شما قدری بیاندیشید و بپرسید که این اجماع (که جنبه بین‌المللی پیدا کرده است) ریشه در کجاست؟ نه شرعی از شرایع آسمانی گفته است و نه عرفی از عرف‌های جهانی. به نظر من ریشه‌اش در حب بقا و ابقا است، یعنی ابقاء عقدی که واقع شده است و رضای عاقد آن اختلال و عیب پیدا کرده است [قابل تصحیح است و با حصول مجدد رضا تصحیح می‌شود].»^۱

۱۰/۲. نیاز به تصحیح اشتباه برای تعدیل قضایی قرارداد

یکی دیگر از مباحث حقوقی که بحث اشتباه در آن مطرح می‌شود، مبحث «تعدیل قرارداد» است. تعدیل قرارداد زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در قرارداد هیچ شرطی برای هماهنگ کردن و متعادل شدن تعهدات طرفین قرارداد وجود نداشته باشد و به علت برخی مسائل پیش‌بینی نشده، اجرای قرارداد کاملاً غیرعادلانه شده و یکی از متعاقدين را با مشکلات جدی مواجه کند. در چنین موقعیتی، سوال اساسی این است که تعدیل قضایی

۱. ر.ک: جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر (۱۳۸۷) روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق (چاپ اول). تهران: گنج دانش، ص. ۲۸.

قرارداد در چه مواردی ممکن است؟ و با چه معیاری انجام می‌شود؟ و چگونه اشتباه ناشی از امور پیش‌بینی نشده در هنگام قرارداد جبران می‌شود؟

تحقیق در حقوق خارجی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها «نظریه عدم پیش‌بینی» را پذیرفته‌اند. در حقوق فرانسه، هرچند در حوزه مدنی دادگاه‌های این کشور به تبعیت از نظر دیوان عالی بازبینی مفاد قرارداد توسط دادرسان را ممکن نمی‌دانند، اما دادگاه‌های اداری به تبعیت از شورای دولتی تعدیل قرارداد را به رسمیت شناخته‌اند. حتی قوانین یا رویه قضائیه بسیاری دیگر از کشورها بدون تفاوت، نظریه عدم پیش‌بینی را در همه حوزه‌ها پذیرفته‌اند. از جمله این کشورها می‌توان از آلمان، ایتالیا، یونان، پرتغال، سوئیس، اسپانیا، اتریش، مجارستان، مصر، امارات متحده عربی، کویت، لیبی، بحرین، برزیل، و آرژانتین نام برد (بیگدلی، ۱۳۹۲: ۴۴۱).

بر اساس نظریه عدم پیش‌بینی، تعدیل قضایی قرارداد زمانی انجام می‌شود که حادثه‌ای که باعث مشکل شدن اجرای عقد شده است، برای طرفین غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل پیشگیری بوده و قابلیت انتساب به طرف‌های عقد را نیز نداشته باشد. همچنین، در نتیجه حادثه مورد نظر، عقد باید از نظر اقتصادی دچار دگرگونی اساسی شده باشد و به طور کامل از سوی متعهد به اجرا درنیامده باشد (پیشین: ۴۳۹).

ملاحظه می‌شود که این مصادیق از عدم پیش‌بینی، خود می‌تواند نوعی اشتباه از سوی یکی از طرفین قرارداد تلقی شود، زیرا وضعیتی در هنگام انعقاد قرارداد وجود داشته و یا پس از آن پدید آمده و قابل پیش‌بینی نبوده است. لذا از طریق تعدیل قضایی قرارداد این اشتباه مرتفع می‌شود. در حقوق ایران برای پذیرش نظریه عدم پیش‌بینی استفاده از سه نهاد حقوقی توصیه شده است که عبارتند از: ۱. نظریه شرط ضمنی ۲. نظریه غبن حادث ۳. نظریه نفی عسر و حرج (پیشین: ۴۴۰).

۱۰/۳. انواع اشتباه در قرارداد

مهم‌ترین مبحثی که حقوقدان‌ها به موضوع اشتباه پرداخته‌اند، مربوط به قواعد عمومی قراردادهای و مبحث قصد و رضای طرفین است (Catharine, 2010: 128). قانون مدنی ایران نیز در سه ماده ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۰۱ به این موضوع پرداخته است. ابتدا، رضای حاصل از

اشتباه را موجب عدم نفوذ عقد قرار داده است و در ماده بعد توضیح داده است که اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله می شود که مربوط به خود موضوع معامله باشد. در ماده بعدی، تأکید کرده است که اشتباه در شخص طرف معامله به صحت معامله خللی وارد نمی آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف معامله علت عمده عقد باشد.

در این زمینه، مرحوم دکتر کاتوزیان تقسیم بندی های متعددی از اشتباه ارائه داده اند. ایشان اشتباه را بر مبنای متعلق و ماهیت آن به دو گونه اشتباه حقوقی و موضوعی تقسیم کرده اند و اصالت را به اشتباه موضوعی داده اند و اعلام کرده اند که: «اشتباه حقوقی در صورتی در عقد مؤثر است که تمام شرایط اشتباه موضوعی را داشته باشد و در همان قلمرو قرار گیرد». (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۹۶-۳۹۸).

ایشان اشتباه را بر اساس فقه امامیه به سه دسته تقسیم کردند که عبارت است از: ۱. اشتباه و سوء تفاهم در نوع عقد. ۲. اشتباه در شخص طرف عقد. ۳. اشتباه در ذات موضوع معامله (پیشین: ۴۱۵).

با این وصف، ایشان قلمرو اشتباه را در حقوق ایران گسترده تر از تقسیم سه گانه مزبور دانسته و آن را به چهار گروه تقسیم می کنند که عبارتند از: ۱. اشتباه در خود موضوع معامله. ۲. اشتباه در شخص طرف معامله. ۳. اشتباه در جهت معامله. ۴. اشتباه ناشی از تدلیس.

آنچه مسلم است این است که تمامی این موارد اشتباه به نحوی با ضمانت اجرای متناسب تصحیح یا جبران می شود.

تقریباً تمامی صاحب نظران حقوق مدنی ایران در این مباحث متعرض بحث اشتباه در معامله شده اند.

در زمینه تصحیح اشتباه، عبارتی از دکتر سیدحسن امامی وجود دارد که تصریح می کنند: «اصلاح اشتباه از امور عقلی است و تردیدی در آن وجود ندارد» (امامی، ۱۳۸۹: ۲۱۱/۴). این مضمون در آثار سایر حقوقدان ها نیز با عباراتی مشابه آمده است (صفایی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۵۳).

۱۰/۴. تغییر زاویه دید در بحث اجزا به تصحیح اشتباه

مهم‌ترین بحثی که دکتر جعفری لنگرودی در ارتباط با تصحیح اشتباه ارائه کرده‌اند، تغییر زاویه دید در مبحث اجزا است. مبحث اجزاء از مباحث وسیع و گسترده در علم اصول فقه است و به این سوال می‌پردازد که در چه مواردی عمل انجام شده (ماتئ به) مکفی از تکلیف (مامور به) است؟ و در چه مواردی مکفی از آن نیست؟ اهمیت این سوال زمانی مشخص می‌شود که اشتباه بودن امری روشن شود و به اصطلاح کشف خلاف گردد. آنگاه این سوال مطرح است که آیا آنچه انجام شده (ماتئ به) کفایت از آنچه باید انجام می‌شد (مامور به) می‌کند یا خیر؟

مرحوم دکتر جعفری لنگرودی در ابتدا ضمن انتقاد از پیچیدگی‌های بی‌وجهی که در مبحث اجزا در علم اصول فقه ایجاد شده است و همچنین ضمن انتقاد از ضعف تمثیل و مثال‌های عملیاتی که در مبحث اجزا وجود دارد، با خلایقی جالب توجه تاکید می‌کنند که در بحث اجزا باید «تغییر زاویه دید» انجام شود تا مشکلات بحث اجزا مرتفع شود. ایشان منظورشان از تغییر زاویه دید در بحث اجزا را چنین توضیح می‌دهند که اساساً بحث اجزا باید از زاویه اشتباه در فهم و اجرای قوانین بررسی شود و مثال‌هایی کاملاً عملیاتی در این خصوص ارائه شود تا به تعبیر ایشان «مقصود استادان سلف به خوبی در دل‌ها و جان‌های طالبان این دانش جایگیر گردد.»

متن عبارت ایشان در رابطه با تغییر زاویه دید و افزودن مثال‌های کاربردی عیناً ذکر می‌شود:

«به نظرم اگر این بحث را از دید اشتباه در فهم و اجرای قوانین مطرح کنیم کار آسان‌تر می‌شود... نخست فهرستی از اقسام اشتباهات در این زمینه بدهیم و بعد داوری را آغاز کنیم.»

- اول اشتباه قاضی در آرا: مثلاً ورقه حصر وراثت صادر کرده است و بعداً وارث دیگری پیدا شود و بگوید من هم وارثم و این هم دلیل من.

- دوم اشتباه مفتی: فراوان است نمونه‌هایی که فتوی با ادله نقلی ابقاء عقود مغایرت دارد یا فتوی به بطلان وجه التزام که بعداً نصوص بر صحت آن به دست آید. نه تنها در مقام افتا امکان روی دادن اشتباه است، در مقام اجرا هم مجتهد ممکن است اشتباه کند، مثلاً در مقام رساندن زکات به مستحقان کسی را ذی حق تشخیص دهد و مال را به او بدهد، بعداً معلوم شود که مستحق نبوده است.
- سوم اشتباه مراجع اداری در استنباط از قوانین.
- چهارم اشتباهات دیگر: مثلاً کسی با سمت مجعول از طرف اداره برق به در خانه‌ها برود و وجه اشتراک برق را وصول کند، دهنده وجه اشتراک که به اشتباه افتاده است، آیا کار او رفع تکلیف از وی می‌کند یا باید بار دیگر آن وجه را بدهد و خود از آن جاعل سمت، پول خود را بگیرد؟

از این فهرست اشتباهات می‌توان استفاده کرد و توسعه بحث اجزا را می‌توان از این چشم‌انداز رفیع مشاهده کرد. مصالح در فهرست مذکور یکسان نیست و برای همه آن اشتباهات حکم کلی صادر کردن خطای محض است. نظر مختار آن است که در هر مورد که سر و کار مجریان قضایی و اداری با حقوق مردم است، باید اشتباه جبران شود (نفی اجزا). روایات متعدد و حتی آیات در این باب به قدر کافی موجود است. اما اگر اشتباه صرفاً نظری باشد و لطمه به حقوق مردم نرساند، اصح نظریه اجزا است زیرا عدم اجزا مخل نظم عام است. گذشته از آنکه روح نصوص ابقای عقود شامل این مورد هم می‌باشد، نظام اجتماعی با ابقا پیوند استوار دارد و اکثر هم جانب اجزا را گرفته‌اند.» (جعفری لنگرودی، بی‌تا: ۱۵۰/۱-۱۵۳).

ملاحظه می‌شود که مرحوم دکتر جعفری لنگرودی در این تألیف خودشان به صورت نسبتاً مفصلی بحث تصحیح اشتباه را در پیوند عمیق با مبحث گسترده اجزاء در اصول و فقه اسلامی مطرح کرده‌اند، اما فرصت تحقیق در قالب نظریه عمومی تصحیح اشتباه را نداشتند.

مرحوم استاد جعفری لنگرودی در ارتباط با بحث اجزاء معتقدند که ابتدا باید زاویه دید را از حکم ظاهری - حکم واقعی، به آن چنان که مشهور معتقدند، به زاویه دید اشتباهات عملی و نظری تغییر داد. سپس اقدام به احصای انواع اشتباهات نمود و حسب نوع اشتباه، عملی یا نظری، و با در نظر گرفتن مصالح زندگی آدمی که در نصوص دینی نیز مورد تاکید قرار دارد، مشخص گردد که چه زمانی باید قائل به اجزا شد و چه زمانی حکم به عدم اجزا منطقی تر است.

اگرچه مرحوم استاد جعفری لنگرودی معتقدند که در بحث اجزا نمی توان حکم کلی داد و حکم کلی دادن خطای فاحش است، بلکه با نگاه کثرت گرا باید تابع مصالح باشیم، لذا در مواردی که اشتباه عملی است و کار مجریان قضایی و اداری با حقوق مردم در ارتباط است، طبق ادله نقلی و عقلی اصل بر عدم اجزا و جبران اشتباه است. در مواردی که اشتباه صرفاً نظری است و عملاً لطمه به حقوق مردم نمی زند، باید حکم به اجزا داد، زیرا حکم به عدم اجزا مغل به نظم عمومی است و سبب اختلال در نظام می شود. این رویکرد به دلیل مصالح چنین اقتضا دارد و نصوص دینی نیز مراعات مصالح را ضروری می دانند (آیین، بی تا: ص ۵۸۸ به بعد).

اما آنچه مسلم است این است که اولاً، تصحیح اشتباه به صورت کلی حداقل در مواردی که سر و کار با حقوق مردم دارد، پذیرفته شده است. ثانیاً، وضعیتی را که استاد جعفری لنگرودی مطرح کرده اند و گفته اند که در موردی که اشتباه صرفاً نظری است و لطمه به حقوق مردم نمی زند، نیاز به تصحیح اشتباه وجود ندارد، از چند جهت قابل انتقاد است اولاً، استاد برای این وضعیت مثال مشخصی نیاورده اند. ۲. مرحوم استاد مستند دقیقی برای این قسمت از ادعای خودشان بیان نکرده اند و خصوصاً اینکه قائل به تفصیل بین این دو حالت شده اند، اما دلیلی برای تفصیل ذکر نکردند.

به نظر می رسد علت اصلی این است که ورود ایشان به مبحث اشتباهات عملی و نظری به صورت مستقل، مستوفی و گسترده نبوده است و از دیدگاه تئوری تصحیح اشتباه به موضوع نگاه نکرده اند. بر این اساس، یکی از مباحث جدی در ارتباط با تصحیح اشتباهات عملی و نظری اصل ابقای عقود است که توسط مرحوم دکتر جعفری لنگرودی تبیین شده

است و همچنین در مبحث اجزا نیز به طور مستقل و مستقیم در ارتباط با اشتباهات عملی مباحثی در رابطه با اشتباهات عملی مطرح شده است.

مرحوم دکتر جعفری لنگرودی در مبحث تصحیح اشتباه در اداره عقد تأکید دارند بر لزوم تصحیح اشتباه در عقود که به نحوی دارای مشکل هستند. ایشان می‌فرمایند:

مقصود از اداره عقد این است که عقدی در شرایطی بسته شود که با موازین مورد قبول قانون‌گذار یا مصلحت یکی از طرفین معامله وفق نمی‌دهد، اما قانون‌گذاران کمر نبسته‌اند که هر عقدی از این دست را باطل بشمارند. زیرا اگر چنین کنند، بسیاری از عقود باطل خواهد بود. ای بسا که قبل از صدور حکم مرجع قضایی یا مرجع رسمی دیگر به بطلان چنین عقدی، طرفین ندانسته بر اساس آن عقد کارهایی هم انجام دهند که اگر قانون‌گذار در قانون خود بطلان این عقود را پیش‌بینی کند، بازگرداندن جمیع آثار این گونه عقود باطل مشکلاتی در روابط مردم پدید خواهد آورد که خود قانون‌گذار هم در حل آن مشکلات فرو خواهد ماند. به‌طور مشخص، از جمله بارزترین این گونه عقود مخدوش، عقد فضولی و عقد مکرره هستند که قانون‌گذار این عقود را غیر نافذ اعلام می‌کند تا موقتاً آن را از سقوط در ورطه بطلان نکه دارد تا وقتی که اکراه برطرف شود. سپس بررسی می‌شود که آیا رضایت برای تنفیذ آن عقد وجود دارد یا خیر؟ (جعفری لنگرودی، بی‌تا: ۹۲).

در مبحث دیگری، دکتر جعفری لنگرودی تأکید دارند که تصحیح اشتباه مؤثر است و آن را در قالب اصول موازنه توضیح می‌دهند. ایشان می‌نویسند که اختلال رضای یکی از عاقدین به دلیل اشتباه موجب می‌شود که اگر او بخواهد از اصل ابقای عقود استفاده کند و عقد را به هم نزنند، می‌تواند از طرف خود ارش (جبران ضرر) بخواهد. اگر بخواهد عقد را به هم بزند، اما طرف به رضای خود مبادرت به دادن ارش یا جبران ضرر (از طریق تعویض کالای مورد معامله) کند، دیگر نمی‌تواند عقد را به هم بزند، زیرا موازنه برقرار شده است. برای مثال، اگر کتابی خریداری کنید و به خانه ببرید و متوجه شوید که چند ورق از آن کسر دارد، می‌توانید از فروشنده بخواهید که پول شما را پس دهد و کتاب کسر شده را بازپس گیرد. اما اگر فروشنده نسخه سالمی به شما بدهد و نخواهد فسخ بیع انجام شود، همه حق را به او می‌دهند و دیگر به ماده ۴۲۲ قانون مدنی استناد نمی‌کنند. این مسئله را نباید در

عالم خیال و دور از جریان‌های عملی و واقعی قرار داد. به این ترتیب، ارزش مطابق اصول موازنه است، نه خلاف قاعده‌ای که دیگران گمان کرده‌اند. در تخلف از شرط، تخلف از وصف یا تخلف از مقدار نیز همین ضابطه موازنه باید اعمال شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۶۶).

آنچه گذشت، بخش کوچکی از مباحث و نظریه‌هایی بود که در حقوق ایران در ارتباط با اشتباه و ضرورت تصحیح آن مطرح شده است. یقیناً شمارش و تحلیل کامل این موارد خود نیازمند تحقیق مستقل است و در این مجال نمی‌گنجد.

۱.۱. نظریه تصحیح اشتباه در حقوق خارجی

پژوهش برای شناسایی مفهوم یا نهادی مشابه با تصحیح اشتباه در حقوق خارجی نیازمند تحقیقی مستقل است. شاید بتوان گفت یکی از نهادهای مشابه قاعده استاپل است.

همسنگی قاعده استاپل با نظریه تصحیح اشتباه از این جهت می‌تواند آنها را هم‌راستا یا در همسایگی یکدیگر نشان دهد که مطابق قاعده استاپل، هیچ یک از طرفین نباید به زیان طرف دیگر تناقض‌گویی کند (Nicola, 2013: 38). به عبارت دیگر، در تناقض‌گویی وجود دو طرف نقیض ضرورت دارد. هر یک از دو نقیض با طرف دیگر ناسازگار است و آن را نفی می‌کند. برای مثال، تناقض اثبات و نفی زمانی اتفاق می‌افتد که یک طرف دعوا مدعی تحقق بیع باشد و در جای دیگر، عدم تحقق همان بیع را مدعی شود.

با این توصیف از قاعده استاپل، هم‌راستایی نظریه تصحیح اشتباه با این قاعده ناشی از آن است که نظریه تصحیح اشتباه می‌تواند واضح‌ترین و روشن‌ترین مصداق قاعده استاپل باشد. به این شرح که در نظریه تصحیح اشتباه نیز دو عنصر نقیض وجود دارد: یکی امر اشتباه قبلی به عنوان عنصر منفی و دیگری امر صحیح فعلی که بعداً معلوم شده است. این دو به حکم قاعده استاپل نمی‌توانند همزمان پذیرفته شوند، زیرا دو امر متناقض هستند. بر اساس قاعده استاپل، باید آن که اشتباه است، تصحیح شود و این دقیقاً همان نکته‌ای است که نظریه تصحیح اشتباه نیز بر آن تأکید دارد. در این حالت، مفاد قاعده استاپل با مفاد نظریه تصحیح اشتباه منطبق می‌شود.

۱۲. تصحیح اشتباه و الزامات نظام عدالت قضایی

از نقطه نظر دیگر، می توان گفت قاعده تصحیح اشتباه از الزامات نظام عدالت قضایی است، زیرا نظام عدالت قضایی مهم ترین کنشگر در تعیین صحیح و خطا می باشد. به عبارت دیگر، مرجعیت اصلی در تعیین صحیح و خطا در روابط حقوقی آحاد جامعه بر عهده این نظام است. حال اگر دو حکم کاملاً متناقض توسط نظام عدالت قضایی صادر شود و هر یک دیگری را نقض کند، در واقع موقعیت تناقض پدید آمده است، زیرا از یک سو موضوعی کاملاً صحیح اعلام شده و از سوی دیگر در همان نظام عدالت قضایی، نقیض آن موضوع هم به صورت صحیح اعلام شده است. از نقطه نظر قاعده استاپل میتوان گفت در اینجا نظام عدالت قضایی به زیان یکی از طرفین مرتکب تناقض گویی شده است و از آنجا که تناقض گویی به زیان دیگری در روابط خصوصی افراد پذیرفته نیست، طبیعتاً این حکم در مقیاس کلان نیز از قبح بیشتری برخوردار است. زیرا امری که در مقیاس خرد و روابط خصوصی افراد ناپسند است، بر اساس قیاس اولویت در مقیاس کلان از قبح بیشتری برخوردار خواهد بود. به این ترتیب، نظام عدالت قضایی نمی تواند در مقابل ضرورت تصحیح اشتباه در موقعیتی خنثی و بی طرف قرار گیرد. بلکه ضرورتاً باید به سمت تصحیح اشتباه تمایل پیدا کند. بر همین اساس است که نهادهایی همچون اعاده دادرسی در نظام های عدالت قضایی سراسری کشورها پذیرفته شده است.

تاکید می شود که یکی از نیازهای جدی در پژوهش های بعدی آن است که در رابطه با شناسایی نهادهای مشابه با نظریه تصحیح اشتباه در سایر نظام های حقوقی دنیا پژوهش و تحقیق بیشتری صورت پذیرد.

۱۳. آثار و پیامدهای شناسایی تصحیح اشتباه به مثابه نظریه عمومی

تصحیح اشتباه به مثابه نظریه عمومی در عرصه های علمی، حقوقی و اجتماعی پذیرفته شود، ساحت های مختلف اجتماعی تحت تأثیر این نظریه دگرگونی های عمده ای را تجربه خواهند کرد. اهم این ساحت ها در پنج حوزه سیاست گذاری، تقنینی، اجرایی، تفسیر قضایی و دانش حقوق به شرح زیر است:

۱۳/۱. در حوزه سیاست‌گذاری

اگر سیاست‌گذاری را امری در ارتباط با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی بدانیم و مفهوم سیاست‌گذاری را تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی بشماریم، پذیرش نظریه عمومی تصحیح اشتباه ایجاب می‌کند که همواره سیاست‌گذاری‌های دولتی و حاکمیتی در همه شئون و شاخه‌های آن مورد ارزیابی قرار گیرند و موارد تصحیحی آن مشخص شوند.

واقعیت آن است که امروزه مناسبات اجتماعی ایران تغییر کرده است. مطالبات زنان، جوانان و گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت شده است، تنوع، تکثر و تضادهای اجتماعی گسترده شده است. همه این موارد نیاز به تغییر جدی در سیاست‌گذاری و بهبود و ارتقای شرایط زندگی و زیست‌آزادانه و عادلانه شهروندان را ایجاب کرده و مورد مطالبه جدی و غیرقابل اغماض قشرهای مختلف اجتماعی قرار گرفته است. بر این اساس، پذیرش نظریه تصحیح اشتباه به عنوان نظریه عمومی ایجاب می‌کند که انتقاد و اعتراض را به عنوان لوازم طبیعی در رابطه دولت-ملت شناسایی کنیم و از هرگونه رفتارهای آمرانه، غیرمدنی و احتمالاً خشونت‌محور در روابط میان دولت-ملت اجتناب شود و استفاده حداکثری از تئوری تصحیح اشتباه در دستور کار قرار گیرد تا تحریم و بایکوت روابط دولت-ملت به نحوی مرتفع شود.

۱۳/۲. در زمینه تقنین و قانون‌گذاری

نظریه مذکور ایجاب می‌کند که اولاً در قوانین مصوب فعلی، رویکردهای مربوط به تصحیح اشتباه با صراحت بیشتر مورد تأکید قرار گیرد تا هرگونه مانع نگرشی برای اجرای صحیح، منطقی و متعادل نظریه تصحیح اشتباه مرتفع گردد. از جمله این مصادیق در حقوق مدنی می‌توان به اصلاح ماده ۴۲۱ قانون مدنی اشاره کرد که سابقاً توسط مرحوم دکتر جعفری لنگرودی نیز از زاویه مخالفت آن با اصل ابقای قرارداد مورد تأکید قرار گرفته بود. از این نمونه‌ها در تصحیح قانون‌گذاری‌های گذشته می‌توان موارد متعددی را شناسایی کرد. ثانیاً، در تصویب قوانین جدید نیز ضرورت دارد که به الزامات و اقتضائات نظریه تصحیح اشتباه توجه شود.

۱۳/۳. در زمینه‌های اجرایی

دستگاه‌های اجرایی کشور، به‌عنوان متولیان و مخاطبان اصلی قوانین مصوب، می‌بایست توجهی جدی به نظریه تصحیح اشتباه داشته باشند و از هرگونه جمود و تمرکز بر اتخاذ رویه‌های اداری و اجتماعی مبتنی بر اشتباه مسلم پرهیز کنند. باید ظرفیت‌های قانونی و اجرایی مورد نیاز، به‌گونه‌ای فراهم شود که دستگاه اجرایی بتواند در تفسیر و اجرای قانون، هرگاه اشتباه بودن رویه قبلی احراز شد، نسبت به تصحیح آن اقدام کند. به عبارت دیگر، دستگاه‌های اجرایی نباید به اشتباه بودن رویه‌های خود بی‌تفاوت باشند یا بر اجرای رویه‌های گذشته قانونی، با وجود آگاهی از اشتباه، اصرار داشته باشند؛ بلکه باید در هرگونه اقدام تصحیحی، آزادی عمل داشته باشند تا پرهیز از ادامه رفتارهای اشتباه را به‌عنوان فریضه‌ای جدی و ضرورتی حیاتی در بهبود روش‌ها و رویه‌های اجرایی و مدیریتی بدانند و آن را در دستور کار خود قرار دهند.

۱۳/۴. در زمینه قضایی و تفسیر قانون

این نظریه در حوزه قضایی و تفسیر قوانین نیز کاربرد بسیار زیادی دارد و به منزله چراغ راهنمای قضات در تفسیر قانون باید عمل کند. همواره باید تصحیح اشتباه مدنظر قضات باشد. خوشبختانه ملاحظه شد که قانون‌گذار در مواد مختلف زمینه تصحیح اشتباه را فراهم کرده و زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های مورد نیاز برای تصحیح اشتباه را مهیا کرده است. کافی است که مجریان و مفسران قانون به این موضوع در سطح نظریه عمومی التفات داشته باشند و در هنگام تفسیر قوانین، به منزله چراغ راهنما به آن توجه کرده و آن را مدنظر قرار دهند.

۱۳/۵. در عرصه پژوهش و نظریه‌پردازی

تولید نظریه و انباشت ادبیات تخصصی در شاخه‌های مختلف حقوق برای مشخص کردن نحوه تصحیح اشتباه در شاخه‌های مختلف حقوق، ساحت دیگری است که باید در ارتباط با این نظریه مدنظر باشد. می‌توان انتظار داشت که صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان حقوقی با تبیین و توضیح این نظریه، زمینه فهم و ادراک آن را در سطوح خرد و کلان اجتماعی و

نظام تصمیم‌گیری فراهم کرده و از این طریق به تحقق و اجرای نظریه تصحیح اشتباه کمک کنند.

۱۴. چالش‌ها و پژوهش‌های بعدی برای تدوین نظریه عمومی تصحیح اشتباه

آنچه در این مجال آمد، تنها درآمدی بود برای تدوین نظریه عمومی تصحیح اشتباه. یقیناً برای تدوین این نظریه باید ابتدا به سؤال‌ها و موضوع‌هایی که در این مقاله مطرح شد و مجال پژوهش پیدا نکرد، پرداخته شود. از جمله، بایسته است که در مبانی نظری تصحیح اشتباه و بررسی ابعاد هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی این نظریه، پژوهش‌های بعدی انجام شود. همچنین، در خصوص تفاوت این نظریه با نهادهای مشابه و نیز در خصوص تجارب مرتبط در حقوق خارجی، پژوهش بیشتری صورت گیرد. ثانیاً، ضروری است که به شناسایی و تجلیل چالش‌های برآمده از این نظریه پرداخته شود. به عنوان مثال، یکی از این چالش‌ها می‌تواند مربوط به تعارض یا تراحم این نظریه با قواعد راجع به مرور زمان باشد. به این توضیح که ممکن است گفته شود اگر تصحیح اشتباه اطلاق یا عمومیت داشته باشد، می‌تواند با قواعد راجع به مرور زمان در تعارض یا تراحم باشد، در حالی که فلسفه مرور زمان مربوط به نظم اجتماعی و انسجامی است که باید در قراردادهای مردم برقرار باشد. علاوه بر این، در قوانین متعددی مرور زمان پذیرفته شده است؛ از جمله در دعاوی تجاری، مطابق ماده ۳۱۸ قانون تجارت، مدت مرور زمان در خصوص دعاوی راجع به برات، فته‌طلب و چک، ۵ سال اعلام شده است. در قوانین کیفری نیز مرور زمان پیش‌بینی شده است.

در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت که اولاً چالش جدی فقهای شورای نگهبان که به صورت تاریخی با همه قواعد مرور زمان در امور تجاری، مدنی و کیفری مواجه بوده‌اند، ناشی از همین موضوع است. ثانیاً به نظر می‌رسد که قواعد مرور زمان با دلایل موجهی همچون اعراض کردن ذیحق و یا تصریح و تصویب قانون‌گذار می‌تواند توجیه لازم را پیدا کند. اما در خارج از این موارد، تأثیر اشتباه می‌تواند بدون تعارض و تضاد با فلسفه مرور زمان در همه قوانین پذیرفته شود.

نتیجه گیری

این پژوهش برای نخستین بار، تصحیح اشتباه را به مثابه نظریه عمومی ارائه می کند. یافته های تحقیق نشان می دهد که:

۱- در حقوق موضوعه ایران و نیز در منابع اصلی حقوق ایران، نصوص پراکنده و گسترده ای برای تصحیح اشتباه وجود دارد.

۲- با این وصف، نظام حقوقی ایران فاقد رویکردی جامع، شفاف و تعریف شده برای تصحیح اشتباه است.

۳- پذیرش و تعریف نظریه عمومی تصحیح اشتباه می تواند پیامدهای گسترده ای برای تصحیح اشتباه در ۵ سطح بر جای گذارد. این سطوح عبارت اند از:

الف) تصحیح اشتباه در سطح سیاست گذاری،

ب) تصحیح اشتباه در سطح تقنین و مقررات گذاری،

ج) تصحیح اشتباه در سطح تفسیری و قضایی،

د) تصحیح اشتباه در سطح اجرایی،

ه) انباشت پژوهش در خصوص نظریه عمومی تصحیح اشتباه.

بر این اساس، پیشنهادهای تحقیق به این شرح است:

۱- گفتمان سازی، ترویج و تبیین نظریه عمومی تصحیح اشتباه در ۵ سطح سیاست گذاری، تقنینی، تفسیری، اجرایی و علمی.

۲- بهره گیری از فناوری های نوین و هوش مصنوعی برای تحلیل داده ها به منظور شناسایی و پیشگیری از اشتباه در سطوح ۵ گانه فوق.

۳- گنجاندن مبحث تصحیح اشتباه در دوره های آموزشی حقوقی و تخصصی برای قضات، وکلا و سایر کنشگران حوزه حقوق.

منابع

۱- قوانین

- قانون اجرای احکام مدنی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و قانون اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۳۳۳
- قانون امور حسبی
- قانون امور گمرکی
- قانون آیین دادرسی کیفری
- قانون آیین دادرسی مدنی
- قانون آیین دادرسی مدنی
- قانون تعزیرات
- قانون ثبت احوال
- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری
- قانون ثبت اسناد و املاک
- قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان
- قانون کار
- قانون مالیات‌های مستقیم
- قانون مجازات اسلامی
- قانون محاسبات عمومی کشور
- قانون مدنی
- قانون مطبوعات
- قانون نظارت بر رفتار قضات

۲- فارسی

- امامی، حسن (۱۴۰۳). حقوق مدنی (جلد ۶، چاپ هجدهم). تهران: انتشارات اسلامی
- امامی، حسن (۱۳۸۹). حقوق مدنی (جلد ۴، چاپ هشتم). تهران: انتشارات اسلامی.
- آیین، علیرضا (۱۴۰۱). درآمدی بر روش‌شناسی و اندیشه‌شناسی حقوقی استاد دکتر جعفری لنگرودی. تهران: انتشارات داد و دانش
- بیگدلی، سعید (۱۳۹۲). تعدیل قرارداد (چاپ سوم). تهران: نشر میزان
- تاکمن، باربارا (بی‌تا). تاریخ بی‌خردی: از ترو تا ویتنام (ترجمه حسن کامشاد). تهران: نشر کارنامه
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق (چاپ اول). تهران: گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۸). حقوق ثبت (چاپ هشتم). تهران: گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). علم حقوق در گذر تاریخ. تهران: گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). یکصد مقاله در روش تحقیق علم حقوق (چاپ اول). تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴). مسائل منطق حقوق و منطق موازنه (چاپ اول). تهران: انتشارات گنج دانش، ص. ۳۶۶
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). تأثیر اراده در حقوق مدنی (چاپ ۲). تهران: گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۷). علم موضوع‌شناسی (چاپ اول). تهران: گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (بی‌تا). الفارق (جلد ۱). تهران: انتشارات گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (بی‌تا). دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت (ج ۲). تهران: انتشارات گنج دانش
- جعفری، محمد تقی (بی‌تا). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (فارسی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- جلیلی، قاسم (۱۳۹۷). مقاله سیاست‌گذاری، مفاهیم، الگوها و فرایندها. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره دوم، شماره ۴
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۹)، «مدلی مفهومی برای ساخت نظریه‌های کاربردی در علوم اجتماعی»، فصلنامه‌ی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۴ و ۶۵، پاییز و زمستان

- دانشنامه حقوق ثبت احوال (۱۴۰۰). مرکز آموزش و پژوهش سازمان ثبت احوال کشور، پژوهشکده حقوق و قانون ایران. تهران: سازمان ثبت احوال کشور
- دو بوآر، سیمون (۱۴۰۲). نقد حکمت عامیانه (ترجمه مصطفی رحیمی). تهران: نشر نیلوفر
- دهخدا، علی اکبر (بی تا). فرهنگ متوسط دهخدا، جلد ۲
- زنجانی، عباسعلی آیت الله عمید (۱۳۸۰). قواعد فقه (جلد اول، بخش حقوق خصوصی). سمت
- سجادی، سید مهدی (۱۳۹۰). جزم گرایی و شکاکیت: معضل نظامهای تربیتی - آموزشی در جوامع اسلامی. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۱، شماره ۲
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفه ملاصدرا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۲). تشکیل قراردادها و تعهدات (چاپ ۹). تهران: نشر مجد
- صفایی، حسین، و دیگران (بی تا). مسئولیت مدنی تطبیقی (چاپ دوم، ویراست اول). تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش
- صفایی، سید حسین (۱۴۰۲). قواعد عمومی قراردادها (جلد ۲). تهران: نشر میزان، چاپ چهلیم
- صفایی، سید حسین، و دیگران (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی محجورین: مطالعه‌ای حقوقی، فلسفی و تطبیقی (چاپ اول، ص. ۲۷۴). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صفایی، سید حسین، و دیگران (بی تا). (چاپ ششم). تهران: انتشارات سمت، ص. ۱۵۳ به بعد.
- عسکری عالم، علیمردان (۱۳۹۲). حکایت‌ها و روایت‌ها در ضرب‌المثل‌های لری و لکی. تهران: نشر آرون
- کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۸۸). قواعد عمومی قراردادها: مفهوم انعقاد و اعتبار قرارداد (جلد اول). تهران: شرکت سهامی انتشار
- کریمی، عباس، و دیگران (۱۳۹۶). نظریه عمومی عدالت در علم حقوق. تهران: نشر دادگستر.
- محقق داماد، سید مصطفی، و دیگران (۱۳۹۱). قراردادها در فقه امامیه (جلد ۲، چاپ دوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- میرحسینی، سید حسن (۱۳۹۰). حقوق علائم تجاری (چاپ اول). تهران: میزان
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۰). حقوق ثبت احوال (چاپ اول). تهران: میزان

- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای سیاسی (جلد ۲، چاپ ۲۳). تهران: میزان

۳- عربی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، حامد عبدالقیوم، و محمد علی النجار (بی تا). المعجم الوسیط (جلد ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا). الشرح الكبير (جلد ۱۱). بیروت: دارالکتاب العربی
- ابن منظور افریقی، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ه.ق). لسان العرب (جلد ۷). بیروت: دار احیاء التراث العربی
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (بی تا). کفایة الأصول (جلد ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی
- بحرانی، حسین (۱۴۸ ه.ق). الحدائق الناطره. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج. ۱۸
- حر العاملی، محمد بن الحسن (بی تا). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج. ۱۳
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ه. ق). نهاية الإحكام في معرفة الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ج. ۱
- خمینی، روح الله (بی تا). تهذیب الأصول (جلد ۱). قم: نشر آثار الإمام الخميني
- شریفی، عبدالهادی (بی تا). تهذیب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی جلد ۲
- طباطبائی حکیم، سید محسن (بی تا). مستمسک العروة الوثقی جلد ۶. بیروت: دار احیاء التراث العربی
- طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۳۸۱ ق). مستمسک العروة الوثقی. بیروت: الآداب، جلد ۵
- قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). جامع الشتات (جلد ۲، ص. ۲۶۸). تهران: مؤسسه کیهان
- محقق حلّی، علی بن حسین (بی تا). معارج الأصول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم

- مؤسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی (۱۴۳۴ هـ.ق). موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت، قم: مؤسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی.
- نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام، بیروت
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۰۵ هـ.ق). مستند الشیعه. مشهد: موسسه مشهد، جلد ۱۴.
- هیئه کبار العلماء (۲۰۰۸ میلادی). الموسوعة الفقهیه، کویت، پاکستان: مکتبه رشیدیہ. جلد ۴

انگلیسی

- Atiyah, P.S. (2003). An Introduction to the Law of Contracts (6th ed.). London : Oxford University Press
- Macmillan, Catharine. (2010). Mistake in Contract Law (1st ed.). London : Hart Publishing
- Monaghan, Nicola, & Monaghan, Chris. (2013). *Beginning Contract Law* (1st ed.). London : Routledge Publish, p. 38.

آنلاین

- خامنه‌ای، سید علی (۱۹/۰۷/۱۳۹۱). بیانات در اجتماع مردم بجنورد. سایت khamenei.ir.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۵/۰۱/۱۴۰۳). بیانات در دیدار مسئولان نظام. سایت khamenei.ir.
- دانشنامه ویکی حقوق. پژوهشکده حقوق و قانون ایران، wikihogghoogh.net
- سعدی. «دیوان اشعار»، غزلیات، غزل شماره ۵۷۱. بازیابی شده از ganjoor.net
- شهریار، محمدحسین «گزیده غزلیات»، غزل شماره ۲۳. بازیابی شده از ganjoor.net
- محقق داماد، سید مصطفی (۲۲/۰۶/۱۴۰۰). اعتراف به خطا و استغفار سیاسی. سایت khabaronline.ir. کد خبر: ۱۵۵۴۲۷۳.
- مولانا. «مثنوی معنوی»، دفتر پنجم. بازیابی شده از ganjoor.net